

دلایل و ماهیت شکل‌گیری اسلام‌ستیزی و ضرورت دفاع غیرعامل

حمیدرضا نادى^۱

ابراهیم خلیلی^۲

علیرضا مرادى صالح^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰

چکیده

برخورد با مسلمانان و مسئله اسلام‌ستیزی^۴ در جهان غرب پدیده جدیدی نیست. این موضوع ریشه تاریخی داشته و سابقه آن از زمان ظهور دین اسلام است و امروزه، به‌ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر گستره و عمق آن بیشتر شده است. هر ساله همزمان با سال‌گرد حادثه ۱۱ سپتامبر، موج تازه‌ای از اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی^۵ فضای تبلیغی محافل رسانه‌ای و غیررسانه‌ای غرب را فرا می‌گیرد. به‌طور یقین توجه ویژه آمریکا و هم‌پیمانانش به این تبلیغات، موجب بروز نمادهایی از اسلام‌ستیزی در غرب شده است. محققان با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی در این مقاله، به ماهیت سناریوهای غربی در شکل‌گیری اسلام‌ستیزی، راهبردهای اجرایی و دلایل گسترش اسلام‌ستیزی در غرب و ضرورت دفاع غیرعامل در برابر آن به‌عنوان دغدغه‌های اصلی این تحقیق پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که: ۱. ماهیت سناریوهای غربی در شکل‌گیری اسلام‌ستیزی شامل «اسلام-هراسی»، «شیعه‌هراسی» و «ایران‌هراسی» است. «پی‌گیری سازوکارهای مختلف جنگ نرم»، «بهره‌گیری از فضای سایبر» و استفاده توأمان از سه راه‌کار «رهنامه مهار»، «تبرد رسانه‌ای» و «ساماندهی و پشتیبانی از نافرمانی مدنی» از راهبردهای اجرایی شکل‌گیری اسلام‌ستیزی هستند، ۲. «زمینه‌های تاریخی»، «مسائل دموگرافیک و جمعیتی»، «تیاژ غربی‌ها به دشمن با شاخصه‌های جدید»، «بیداری اسلامی و احیای هویت مسلمانان» و «گسترش خشونت و تحجر به نام اسلام» از دلایل اصلی گسترش اسلام‌ستیزی در غرب هستند. پدافند غیرعامل با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی دین و جامعه برای تقابل با تهدیدهای دشمن و جلوگیری از پذیرش شکست و ضعف در میان اسلام و مسلمانان در کاهش اثر اسلام‌ستیزی ایفای نقش می‌نماید.

واژگان کلیدی: اسلام‌ستیزی، اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی، ایران‌هراسی و پدافند غیرعامل.

۱. استادیار امنیت ملی دانشکده علوم و فنون فارابی، رایانامه: (Hr.nadi47@gmail.com)

۲. مربی امنیت ملی دانشکده علوم و فنون فارابی، رایانامه: (Khalil.eb59@yahoo.com)

۳. کارشناسی ارشد پدافند غیرعامل گرایش امنیت ملی دانشکده علوم و فنون فارابی، نویسنده مسئول، رایانامه: (Amoradisaleh@yahoo.co.uk)

4. Anti islamism

5. phobia Islam

6. phobia Shia

7. phobia Iran

مقدمه

قرن ۲۱ عصر آزادی و حقوق بشر و احترام به همه حقوق فردی تصور می‌شود و تمام سیاستمداران و رهبران سیاسی با افتخار بر حمایت و گسترش این اصول تأکید می‌ورزند. برای مسلمانانی که امروزه در غرب زندگی می‌کنند، باور این شعارها مشکل است زیرا در عمل وضع به گونه‌ای دیگر است؛ آنان نه تنها از عملی شدن این شعارها به درستی بهره‌مند نمی‌گردند بلکه شاهدند که تبعیض و ناشکیبایی ضد آنان روز به روز افزایش می‌یابد و اقدام مؤثری برای مقابله با آن اندیشیده نمی‌شود.

دنیای امروز را دنیای اطلاعات نامیده‌اند. امروزه اطلاعات منبع قدرت بوده و آن کسی قدرتمندتر است که پیشرفته‌ترین و گسترده‌ترین شبکه اطلاعاتی و رسانه‌ای را در اختیار داشته باشد (تافلر، ۱۳۷۰: ۶۵). در دنیای ما که داشتن اطلاعات منبع قدرت به‌شمار می‌آید کشورهای غربی با بیشترین استفاده از این منبع، برای مبارزه با اسلام از بهترین روش‌های تبلیغی استفاده می‌کنند. بر این اساس، ایجاد اختلاف، تضاد، ناهمگونی و بزرگ جلوه دادن اختلاف‌های جزئی میان کشورهای اسلامی به همراه از بین بردن همبستگی ملی آن‌ها (احمدی، ۱۳۶۹: ۱۷) و ایجاد هراس و ناامیدی میان مسلمانان و کشورهای اسلامی در باب مقابله با کشورهای غربی (مرتضی زیدی، ۱۳۸۹: ۲۳) از مهمترین اهداف جهان سرمایه‌داری به‌وسیله تبلیغات خبرگزاری‌ها در مواجهه با اسلام است.

در سالیان اخیر، اصطلاحاتی چون بنیادگرایی اسلامی، اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در رسانه‌های استکباری و صهیونیستی بسیار تکرار می‌شود به گونه‌ای که در هر بخش خبری رسانه‌ها و روزنامه‌ها، مطلبی در این باره گفته یا نوشته می‌شود تا حدی که فقدان مطلبی در این باره شگفت‌انگیز می‌نماید (شریفی، ۱۳۸۹: ۷). از افتراهای برخی از شرق‌شناسان و غربیان به اسلام و سنت پیامبر (ص) از گذشته تا کنون آن است که اسلام دین شمشیر، جنگ و درگیری است و پیروان خود را به کاربرد خشونت در ارتباط با دیگران دعوت می‌کند. این افترا به‌ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در رسانه‌های غربی، مجله‌ها و بنگاه‌های خبری پراکنی بار دیگر رونق گرفته و همچنان ادامه دارد. نشست‌ها و همایش‌های متعددی در غرب برگزار شد که آیا اسلام دین صلح است یا جنگ؟ برداشت نادرست از متون دینی و واقعیت‌های فقه اسلام، رواج اسلام در غرب و

نظریه‌هایی مانند «بحران هویت اروپا»^۱، محروم کردن مسلمانان از دسترسی به پیشرفت‌های علمی، نیاز به وجود یک دشمن فرضی برای غرب پس از پایان دوران جنگ سرد، تحقق نظریه برخورد تمدن‌ها، گسترش دخالت در امور داخلی دولت‌های اسلامی به بهانه برقراری دموکراسی و درواقع چپاول ثروت‌های ملی، از مهم‌ترین انگیزه‌های آشکار و پنهان در انتساب اسلام به دین جنگ و خشونت است (میرمحمدی، ۱۳۸۴: ۵).

درواقع پس از فروپاشی شوروی سابق، ایالات متحده نیز به‌نوعی با خطر بحران هویتی مواجه گردید. همان بحرانی که میخائیل گورباچف در نامه‌ای به رئیس جمهوری وقت آمریکا به‌طور واضح به آن اشاره کرده بود. او در این نامه نوشت که «من شما را از داشتن دشمن قدرتمندی همچون اتحاد جماهیر شوروی محروم می‌کنم». پس از این فروپاشی، به‌تدریج نبود فضای مناسب برای قدرت‌نمایی و قهرمان بازی، زنگ خطری را در کاخ سفید طنین انداز کرد. واقعه ۱۱ سپتامبر یکی از تدابیری بود که در این راستا اندیشیده شد (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۳). بدیهی است آمریکا برای ادامه حیات خود محتاج یک دشمن بیرونی بوده تا با توسل به این دشمن، طرح‌های توسعه‌طلبانه خود را گسترش دهد. به همین دلیل لازم بود تا پس از فروپاشی شوروی دشمنی جدید ساخته و معرفی شود. دشمنی که باید آن‌چنان قدرتمند یا در حال قدرت گرفتن باشد که هراس از آن را هم خود آمریکایی‌ها، هم رقبا و دوستانش باور کنند، دشمن موردنظر باید توان ایستادگی در برابر نظام سلطه را داشته و به این زودی جا نزده و از بین نرود، ماهیت دشمن جدید می‌بایست برای افکار عمومی ناشناخته باشد تا رسانه‌های نظام سلطه بتوانند از آن غولی ساخته و هراس را ایجاد و گسترش دهند. موقعیت جغرافیایی این دشمن باید دور از سرزمین غرب باشد تا نتواند آمریکا را از نظر نظامی تهدید کند، ذهنیت افکار عمومی غربی‌ها از قبل نسبت به آن منفی بوده تا بستر برای ایجاد هراس از آن در دل مردم فراهم باشد و ... با این اوصاف می‌توان اظهار داشت که سیاست‌مداران غرب درواقع اسلام را به‌عنوان دشمن جدید، جایگزین شوروی کرده‌اند (کریمی، ۱۳۸۷: ۳).

بیان مسئله

اسلام‌هراسی معضلی است که در اشکال مختلف تبعیض، خشونت، طرد، توهین نمایان می‌گردد و گسترش روزافزون این معضل و پیامدهای آن تأثیر زیانباری بر جوامع مسلمان کشورهای غربی داشته است. گسترش و رشد اسلام‌هراسی در برخی از حوزه‌ها نظیر رسانه‌ها یا سطوح رسمی و دولتی به دلیل دامنه نفوذ گسترده، توانمندی و تأثیر عمیقی که دارند، نیازمند توجه و بررسی‌های جدی است (سیدامامی و حسینی فائق، ۱۳۹۰: ۹۹).

تلاش سیاست‌مداران غرب به رهبری آمریکا برای ایجاد فرهنگ «اسلام‌هراسی» در جوامع، به واقعیتی آشکار تبدیل شده که از اهداف اصلی آن، جایگزین کردن یک دشمن خیالی برای آمریکا به جای دشمنی است که با فروپاشی شوروی به تاریخ پیوست. بر این اساس، سیاست‌های توسعه‌طلبانه و استعماری آمریکا و غرب بدون حضور یک «دشمن فرضی» مشروعیت لازم را نخواهد داشت و نمی‌تواند ادامه یابد. به نظر می‌رسد «ایران‌هراسی» و «شیعه‌هراسی» نیز بخشی از همین پروژه باشد. هدف غرب از این دو پروژه ایجاد شکاف میان مسلمانان و شعله‌ور کردن آتش اختلاف‌های مذهبی و قومی است تا تفرقه میان دشمنان سنتی رژیم اشغال‌گر قدس هر چه متنوع‌تر و بیشتر شود.

از این رو پرداختن به این مهم که ماهیت سناریوهای غربی در شکل‌گیری اسلام‌ستیزی چیست و چه عواملی موجب گسترش اسلام‌ستیزی شده و غرب برای اجرای مقاصد خود از چه راهبردهایی استفاده می‌نماید مسائل قابل توجهی است که در قالب این مقاله به آن پرداخته خواهد شد. از طرفی با هجمه فعلی جنگ نرم دشمنان علیه اسلام باید سامانه دفاعی مناسبی را برای تقابل ترسیم نمود. ضمن اینکه باید گفت که دفاع، همیشه به معنی قرار گرفتن در موضع دفاعی در یک رویارویی مستقیم با دشمن نیست بلکه می‌توان به راحتی با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین علمی در چهارچوب اقدام‌های «پدافند غیرعامل»^۱ که بسیار منطقی‌تر، کم‌هزینه و پایدارتر از اقدام‌های آفندی است، خسارت‌های ناشی از تهدیدها را کاهش داد.

1. passive Defense

با این توصیف محققان در این مقاله تلاش خواهند نمود تا راهکارهای مناسبی را با رویکرد پدافند غیرعامل برای کاهش اثر اسلام‌ستیزی ارائه نمایند.

اهمیت و ضرورت موضوع

در ضرورت و اهمیت پرداختن به این موضوع همین کافی است که رهبر معظم انقلاب ترویج اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را دو راه‌کار اصلی استکبار و در رأس آن آمریکا برای جلوگیری از اتحاد و انسجام دنیای اسلامی ارزیابی کردند و فرموده‌اند: «دولت آمریکا در دوره رئیس‌جمهوری قبلی، تلاش‌های زیادی بر ضد دنیای اسلام و همچنین بر ضد ایران انجام داد و دولت فعلی آمریکا هم با وجود سخنان و پیام‌های به ظاهر دوستانه، همان سیاست اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را دنبال می‌کند» (نشریه پگاه حوزه، ۱۳۸۵: ۳). در ضمن اهدافی مانند ایجاد اختلاف بین کشورهای منطقه، مخدوش نمودن چهره اسلام، حمایت از رژیم صهیونیستی، قطع روابط کشورهای مسلمان با غرب و تأثیرگذاری این موارد بر چهره نظام ج.ا.ایران نیز بر اهمیت این موضوع افزوده است. اسلام‌ستیزی به عنوان حمله به تمامیت مذهب اسلام به‌عنوان مشکل اصلی جهان و معرفی دین اسلام به‌عنوان افراط‌گرایی، امروزه حضوری جدی و تأثیرگذار در جوامع غربی و حتی رسانه‌های مؤثر بر افکار عمومی جهانی پیدا کرده است. از این منظر در تمامی درگیری‌هایی که مسلمانان در آن درگیر هستند، مقصر اصلی مسلمانان هستند. سؤال اینجاست که هراس از اسلام چگونه مطرح شده و با اجرای چه سناریوهایی، اسلام‌ستیزی امروزی در غرب شکل گرفته است؟ دلایل و عوامل شکل‌گیری، اهداف و راهبردهای غرب از ایجاد هراس از اسلام و مسلمانان کدام است؟ به‌طور یقین پاسخ به این دو سؤال نیازمند درنگ و تفکر است تا بتواند رویه‌های دشمنان در شکل‌گیری اسلام‌ستیزی امروزی در غرب را تشریح نماید. این سؤالات نشان‌گر ارزش و جایگاه بررسی اهداف و راهکارهای دشمن در مقابله با اسلام است. از طرفی با توجه به رویکرد جنگ نرم دشمن در اجرای سناریوهای منتهی به اسلام‌ستیزی، به‌طور یقین از مهم‌ترین ابزارها در تقابل با این تخاصم غربی، می‌تواند استفاده از اصول پدافند غیرعامل باشد. با این توضیحات می‌توان مهمترین دلایل اهمیت و ضرورت انجام تحقیق حاضر را اهمیت و فراگیر شدن اسلام‌ستیزی در دنیای امروز، ضرورت مقابله به‌موقع و هدفمند با اسلام‌ستیزی غرب، تبیین سناریوهای

منجر به اسلام‌ستیزی غربی، اهمیت جایگاه پدافند غیرعامل در مواجهه با اسلام‌ستیزی و نبود تحقیق مستقل در این زمینه دانست.

سؤال‌های تحقیق

۱. ماهیت سناریوهای غربی در شکل‌گیری اسلام‌ستیزی چیست؟

۲. راهبردهای اجرایی شکل‌گیری اسلام‌ستیزی کدامند؟

۳. دلایل گسترش اسلام‌ستیزی در غرب چیست؟

۴. پدافند غیرعامل چگونه در کاهش اثر اسلام‌ستیزی ایفای نقش می‌نماید؟

روش تحقیق

از آنجایی که در پژوهش حاضر، هدف بررسی ماهیت سناریوهای غربی در شکل‌گیری اسلام‌ستیزی، راهبردهای اجرایی و دلایل گسترش آن و تبیین نقش پدافند غیرعامل در کاهش اثر اسلام‌ستیزی است بنابراین روش تحقیق از نوع توصیفی انتخاب شده است. همچنین به دلیل اینکه فرضیه‌های مطروحه با توجه به نظریه‌های موجود پیرامون این مباحث مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

چارچوب نظری تحقیق

پیشینه و ریشه‌های اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در غرب

به آتش کشیدن کتاب مقدس مسلمانان در سال‌گرد حوادث ۱۱ سپتامبر، نقطه سیاه دیگری در پرونده کشورهای غربی به‌خصوص آمریکا و نشانه‌های هراس و نگرانی بیش از پیش رهبران جریان اسلام‌ستیزی از رشد عالم‌گیر مکتب الهی اسلام است. اگرچه اعتقاد به این مسئله که حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر از آغاز تا انجام با برنامه‌ریزی و هدایت کاخ سفید صورت گرفته، برای برخی دشوار به نظر می‌رسد اما باید باور داشت که ساختار مافیایی قدرت و ثروت در آمریکا نسبت به وقوع این حوادث آگاهی کامل داشته و از همان ابتدا با هدف بهره‌جویی از آثار و نتایج ۱۱ سپتامبر، اجازه داده تا این حوادث به انجام برسد. بر مبنای نظرسنجی سال ۱۳۸۷ در آمریکا، نزدیک به ۴۲ درصد مردم آمریکا، گزارش‌های رسمی دولت این کشور را درباره حوادث ۱۱ سپتامبر باور ندارند و معتقدند که کمیته تحقیق و تفحص، اطلاعات این واقعه را مخفی

کرده است. علاوه بر این در سال ۲۰۰۸ نزدیک به ۴۵ درصد از مردم آمریکا خواستار بازگشایی پرونده ۱۱ سپتامبر بودند. شاید زمانی که «جرج بوش» رئیس جمهوری وقت آمریکا بلافاصله پس از حمله‌های ۱۱ سپتامبر بر طبل آغاز جنگ صلیبی دیگر با مسلمانان می‌کوبید کمتر کسی تصور می‌کرد که این کشور در خاورمیانه با درگیر شدن در دو جنگ گسترده به بهانه مبارزه با تروریسم، موجب قتل عام و آوارگی میلیون‌ها مسلمان در افغانستان، عراق و همچنین پاکستان شده و با حمایت از رژیم صهیونیستی، زمینه جنایت‌های هولناک این رژیم و کشتار مسلمانان فلسطین را فراهم آورد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹/۷/۱):

(۹).

ادوارد سعید در تبیین خود از نحوه برداشت از مفاهیم شرقی (و از جمله اسلام و مسلمانان) بیان می‌کند: مفهوم شرق شناسی در نتیجه گسترش امپریالیسم پدید آمده است. فعالیت شرق شناسی، همزمان با تسلط امپریالیسم بر بخش‌های عظیمی از جهان اسلام شکل گرفته است. بر اساس این اندیشه، غرب به‌جای تلاش برای فهم و کشف شرق؛ خود به اختراع و ساخت شرق دست زده است. بازنمایی غرب از شرق، نه بر واقعیت جوامع مدرن شرقی بلکه بر تفاسیر متنی و ذهنی استوارند. در حقیقت این شرق محصول شرق شناسی است. نهادهای مستعمراتی و امپریالیستی را باید در روابط قدرت - دانش مورد بررسی تاریخی قرار داد. شرق شناسی ابزاری برای تثبیت و تقویت هویت غربی است. روایت‌های شرق شناسانه درباره شرق تکمیل و تقویت کننده مبانی غرب هستند. غرب برای تثبیت خود و تقویت مبانی هویتی خود به دشمن نیاز دارد. تقویت «ما»، به ایجاد دیگران و کشیدن خطوط تمایز ملموس با دیگران وابسته است. کمونیسم و شوروی در زمانی این نقش را برای غرب ایفا می‌کرد و پس از فروپاشی شوروی، این نقش را باید جهان اسلام ایفا نماید. در این چهارچوب، جهان اسلام باید متحجر، غیرعقلانی، جزمی، عقب مانده، واپس گرا و خشن معرفی و پذیرفته شود. وسایل ارتباط جمعی و نخبگان در کوششی هماهنگ به‌طور دائم اسلام را با عبارتهای منفی و پیوسته با عناصر نامطلوب نمایش می‌دهند و توانسته‌اند نگاه بقیه و به‌خصوص جوامع غربی را شکل دهند. شرق شناسی به شرق صورت کلیشه‌ای داده و با داستان‌های ساختگی با ایجاد یک سناریو، امکان معرفی بیشتر هویت غربی را داده است. این دیدگاه‌ها،

شرق را تا ابد عقب مانده و تهدیدی برای ارزش‌های غرب می‌دانند. مسلمانان نمی‌توانند مثبت بیندیشند و نمی‌توان آن‌ها را به راه راست آورد. به این ترتیب شرق (مسلمانان) پدیده‌ای هولناک است که باید تحت کنترل قرار گیرد (سعید، ۱۳۷۷: ۹۷).

آمریکا در ابتدای سند راهبرد امنیت ملی که در سال ۲۰۰۶ به‌وسیله کاخ سفید و شورای امنیت ملی آمریکا به‌عنوان رسمی‌ترین سند امنیتی این کشور منتشر شد بیان می‌کند «آمریکا امروز در جنگ است، جنگ با یک ایدئولوژی تحریف شده، (اسلام)». اغلب مردم در جوامع غرب دانش چندانی نسبت به اسلام و مسلمانان ندارند و این ناآگاهی زمینه را برای پذیرش روایت‌های غالب فراهم می‌کند. بدین ترتیب اسلام ستیزی تصویری از اسلام ارائه می‌دهد که دارای این مؤلفه‌هاست: اسلام دینی کهنه و وحشی است، از سایر ادیان مجزاست، غیرقابل انعطاف و ایستا، خشونت‌گرا و حامی تجاوز و تروریسم است. اسلام یک ایدئولوژی سیاسی بوده در نتیجه خشونت علیه مسلمانان طبیعی و منطقی است. این اندیشه امروز در غرب طرفداران زیادی دارد و جنگ علیه مسلمانان امروزه به بخشی تعیین‌کننده از هویت غرب تبدیل شده است. هویت غربی در برابر مسلمانان است که مؤلفه‌های خود را باز می‌یابد. تاریخ تکوین هویت غربی نشان می‌دهد که این هویت در بسیاری موارد در انعکاس به دشمن خود شکل گرفته است (امینیان، ۱۳۹۰: ۶).

جریان‌های مقابله با اسلام و هادیان امواج اسلام‌ستیزی در جوامع غربی را می‌توان در گروه‌های مختلفی نظیر گروه‌های صهیونیستی، مسیحیان صهیونیست (جریان‌های پروتستان فعال در آمریکا)، جریان‌های قومی ارتدکس متضاد با مسلمانان (همانند جریان‌های تندرو صرب)، جریان‌های کاتولیک صلیبی، گروه‌های نژاد پرست و آشوبگر، جریان‌های سیاسی، لائیک‌های مهاجر از کشورهای اسلامی، ایدئولوژی‌های انحرافی و ضد اسلامی (همانند بهائیت و مارکسیسم) و ... دسته‌بندی کرد. هر یک از این گروه‌ها به دلایل و شیوه‌های مستقل و خاص با اسلام و مسلمانان در تضاد و مقابله هستند (عزیزی، ۱۳۹۱: ۵).

موج اول اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی

موج اول این پروژه از اوایل دهه ۸۰ میلادی آغاز شده و علت عملیاتی شدن اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی نیز به پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات گسترده منبعث از آن در جهان اسلام و مناسبت‌های بین‌المللی باز

می‌گردد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، باعث به‌وجود آمدن و ظهور خودآگاهی دینی در میان مسلمانان و بازیابی هویت اسلامی گردید و این مهم نیز گفتمان بیداری اسلامی را به منصفه ظهور رسانید و گفتمان بیداری اسلامی به‌تدریج به گفتمان مسلط جهان اسلام تبدیل شد. دامنه تحولات منبعث از انقلاب اسلامی خیلی سریع مناسبت‌های بین‌المللی را نیز مورد تأثیر خود قرار داد. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران دو عنصر مسلط بر سرشت مناسبت‌های بین‌المللی حاکم بود: عنصر قدرت و ایدئولوژی سیاسی سوسیالیسم و لیبرالیسم، اما انقلاب اسلامی، عناصر و معادله‌های جدیدی را وارد عرصه مناسبت‌های بین‌المللی کرد. این عناصر و معادله‌ها عبارت بودند از هویت فرهنگی و دینی و ایدئولوژی اسلامی.

روند موصوف از یک‌سو و گسترش مهاجرت گسترده مسلمانان به اروپا و آمریکا و مقاومت آنان در برابر هضم شدن در هنجارها و فرهنگ غربی و همچنین تأکید و تقید مسلمانان به اعمال دینی و رشد اسلام‌گرایی در بین اروپائیان، غربی‌ها را به هراس انداخت و آنان را به چاره‌جویی واداشت. از این‌رو غرب درصدد برآمد تا با تکیه بر راهبرد اسلام‌هراسی، از یک طرف تحولات گفته شده را مهار کند بنابراین موج اول اسلام‌هراسی همزمان با شکل‌گیری موج اول بیداری اسلامی در دهه ۸۰ میلادی به‌عنوان یک راهبرد مهم در دستور کار نظام سلطه و رسانه‌های وابسته به آن قرار گرفت که در این ارتباط می‌توان به انتشار کتاب موهن آیات شیطانی به‌وسیله سلمان رشدی اشاره کرد. با فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق در آغاز دهه ۹۰ میلادی و خلأ بیگانه‌هراسی و محاصره‌اندیشی متداول عوام در غرب، راهبرد اسلام‌هراسی به‌صورت جدی‌تر مورد اهتمام و توجه بازیگران سلطه‌گر قرار گرفت. در همین راستا مراکز تصمیم‌ساز وابسته به لابی صهیونیسم بین‌الملل سعی کردند برای پرکردن خلأ بیگانه‌هراسی و محاصره‌اندیشی، خطر اسلام را جایگزین خطر کمونیسم نمایند. از این‌رو در فاز جدید، راهبرد اسلام‌هراسی را از مجاری صرف تبلیغاتی خارج کرده و به آن زیرساخت به اصطلاح علمی و فرهنگی دادند. در این رابطه و در سال ۱۹۹۲ نظریه برخورد تمدن‌ها از سوی «ساموئل هانتینگتون»^۱ مطرح گردید. هانتینگتون در نظریه برخورد تصریح

کرد که خطوط گسل بین تمدن‌ها مرزهای درگیری آینده است و تمدن اسلامی بزرگترین تهدید برای تمدن غرب محسوب خواهد شد (واعظی، ۱۳۸۷: ۴۱).

موج دوم اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی

موج دوم اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و انفجارهای نیویورک و واشنگتن عملیاتی شد. در موج دوم، رسانه‌های مورد کنترل نظام سلطه سعی کردند بنیان روابط جهان اسلام و غرب را دگرگون سازند، از این‌رو با شدت و حدت گسترده‌ای این عبارت که «خطوط گسل تمدنی بین اسلام و غرب فعال شده است» را القا می‌کردند. دو روز پس از انفجارهای ۱۱ سپتامبر، روزنامه هرالد‌تریبون در مقاله‌ای نوشت که این حوادث برخورد تمدن‌های اسلامی و غرب را آشکار کرده است. در ادامه این روند، فوکویاما ۱ یک ماه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در مصاحبه‌ای با روزنامه گاردین تأکید کرد که اسلام تنها نظام فرهنگی است که مدرنیته غربی را تهدید می‌کند. او تصریح کرد که آمریکا می‌تواند برای شکستن مقاومت کشورهای اسلامی در برابر مدرنیته از توان نظامی خود استفاده کند. ویلیام کوهن وزیر دفاع اسبق آمریکا و راهبردار برجسته این کشور نیز اعلام کرد جنگ آمریکا و متحدانش با اسلام، جنگ چهارم جهانی است (وی جنگ جهانی سوم را دوران جنگ سرد می‌داند).

در راستای نظریه‌پردازی کردن لزوم رویکرد سخت افزاری و نظامی در موج دوم اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی رود پارسلی - از کشیشان مروج صهیونیست مسیحی - با انتشار کتابی به‌نام «بیش از این نباید سکوت کرد» مدعی شد که خدا به آمریکا مأموریت داده که اسلام را شکست دهد. وی همچنین در کتاب خود نوشت که این یک حقیقت است که آمریکا تا حدودی با هدف ویرانی این دین غلط تأسیس شده است (سراج، ۱۳۸۷: ۹). در همین رابطه با مقایسه دو سند راهبرد امنیت آمریکا در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ و تعداد دفعات کاربرد مفاهیمی چون «اسلام» و «مسلمین»، می‌توان به میزان اهمیت این مقوله و افزایش حساسیت آن در این اسناد پی برد (واعظی، ۱۳۸۷: ۴۲).



سال واژه	سند سال ۲۰۰۲	سند سال ۲۰۰۶
اسلام	۰	۷
مسلمین	۲	۷
مذهب	۲	۸
القاعده	۰	۱۲
ایران	۱	۱۶

(واعظی، ۱۳۸۷: ۴۲).

موج سوم اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی

در پی ناکامی آمریکا در عراق و شکست طرح خاورمیانه بزرگ که به واقع شکست رویکرد سخت‌افزاری در راهبردهای اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی بود و همچنین پیروزی گفتمان اصول‌گرایی در ایران طی چند سال اخیر، موج دوم بیداری اسلامی در منطقه پدیدار شد. این موج که با پیروزی اسلام‌گرایان و به قدرت رسیدن آنان در برخی کشورهای اسلامی به‌ویژه پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه با رژیم صهیونیستی همراه بود نظام سلطه را وادار کرد تا موج سوم اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی را طراحی و اجرا نماید. از سال ۲۰۰۵ با چاپ مجدد کاریکاتورهای موهن علیه پیامبر اعظم (ص)، اظهارات موهنانه «رودپارسل» کشیش یکی از کلیساهای بزرگ آمریکا علیه ذات اقدس الهی و مقدسات اسلامی، پخش ویژه برنامه‌ای از سوی شبکه آمریکایی فاکس نیوز مبنی بر بزرگ‌نمایی خطر اسلام و دست‌داشتن مسلمانان در انفجارهای لندن و اسپانیا، ساخت فیلم ضدقرآنی «فایتنا»^۱ و به‌تازگی بحث قرآن‌سوزی، مرحله جدیدی از موج سوم اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی به منصه ظهور رسیده است. موج سوم اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی، هتاکانه‌تر، گسترده‌تر و پیچیده‌تر طراحی و اجرا می‌شود و از راه‌کارهایی همچون القا و توهم‌سازی، تمسخر، تحقیر، تحریف مقدسات اسلامی و آموزه‌های دینی بهره می‌گیرد (سراج، ۱۳۸۷: ۹).

سناریوی اسلام‌هراسی؛ تحلیل، اهداف و راهبرد

تحلیل سناریوی اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی ترسی واهی در میان سیاستمداران و افراد عادی است، مبنی بر اینکه دنیای اسلام به‌طور اعم و مسلمانانِ مقیم کشورهای غربی به‌طور اخص، منشأ تهدید و خطر برای مردم، فرهنگ و تمدن غربی تلقی می‌شوند. این ترس نامعقول و واهی از اسلام و مسلمانان به ناشکیبایی ضد مسلمانان کشورهای غربی دامن زده است. به‌طور کلی اسلام‌هراسی بر این مطلب دلالت دارد که اسلام هیچ اشتراکی با دیگر مذاهب و فرهنگ‌ها ندارد؛ یک دین خشونت‌بار، متحجر و نابردبار است و تمدن اسلامی نسبت به تمدن غربی در درجهٔ پایین‌تری قرار دارد. بر این اساس مسلمانان همواره تهدید کنندهٔ ارزش‌های ملی و فرهنگ غربی معرفی می‌شوند. شکل‌گیری فضای ضد اسلامی، ضد مسلمانان در کشورهای غربی (که از سوی احزاب راست افراطی و رسانه‌ها تقویت می‌شود) منجر به سخت شدن شرایط زندگی برای مسلمانان شده و بدیهی است که این فضا زمینه را برای اعمال پیش‌دواری و تبعیض ضد مسلمانان بیشتر می‌کند. امروزه این فضای ضد اسلامی تا حدی پیش‌رفته که در برخی از پژوهش‌ها، اسلام‌هراسی به عنوان یک شکل از نبود تساهل در کنار بیگانه‌هراسی و یهودستیزی، شناخته شده است (Roald, 2004, 53). دیگری اسلام‌هراسی را شکل جدیدی از نژادپرستی در اروپا می‌داند و مدعی است که اسلام‌هراسی نیز مانند یهودی ستیزی، از سنخ بیگانه ترسی، نژادپرستی و عدم تساهل است (Johnson, 1998, 182).

در مجموع، می‌توان گفت که اسلام‌هراسی واژه‌ای با اشکال بسیار متفاوت است که در سه حوزهٔ عمومی، رسانه‌ای و دولتی رخ می‌دهد و برآیند همه اشکال و پیامدهای آن اعمال پیش‌دواری و تبعیض ضد مسلمانان، تجاوز به حقوق آنان، برخورد فیزیکی، توهین لفظی، بی‌حرمتی به مقدسات، تبعیض سازمان یافته، و نادیده انگاری و بیگانه انگاری مسلمانان است (سیدامامی و حسینی فائق، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

شکست، ناتوانی و قصور جمعی سازمانی در ارائهٔ خدمات مناسب و لازم به اقلیت مسلمان به سبب ریشه دینی، نژادی یا فرهنگی آنان، اسلام‌هراسی ساختمانده می‌شود که در نتیجهٔ آن پیش‌دواری، تبعیض و نادیده انگاری حقوق مسلمانان گسترش می‌یابد. اسلام‌هراسی ساختمانده، شکلی از اسلام‌هراسی است که

نتایج آن فراتر از اقدام‌های گروهی از نژادگرایان و احزاب راست افراطی می‌رود زیرا نفوذ و قدرت دولت و ساختارهای دولتی بسیار گسترده و فراگیرتر از این گروه‌هاست و هر مسلمان ساکن غرب به نوعی با این ساختارهای سازمانی و قانونی دولتی در ارتباط است. البته باید توجه داشت اسلام‌هراسی ساختمانده می‌تواند زمینه را برای حرکت به سمت اسلام‌هراسی آشکار فراهم نماید که در شکل زیر نمایش داده شده است (سیدامامی و حسینی فائق، ۱۳۹۰: ۱۰۳):



شوارتز^۱، نویسنده آمریکایی در مقاله «اسلام‌هراسانی که نیستند» می‌گوید: «اسلام‌هراسی محکوم‌سازی کلیت اسلام و تاریخ مسلمانان به‌عنوان امری افراطی، انکار بیشترین میانه‌روی مسلمان و در نظر گرفتن اسلام به‌عنوان مشکلی برای جهان، برخورد با تعارض‌های مربوط به مسلمانان به‌عنوان امری ضروری حاصل اشتباه آنان، تأکید بر اینکه مسلمانان درصدد ایجاد تغییر بر اساس دین خود هستند و اعلان جنگ علیه

کلیت اسلام» است (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹: ۲). واقعیت آن است که طیف‌های تندروی غربی که اسلام را یک خطر فزاینده می‌دانند؛ مدت‌هاست از طریق «مدیریت ادراک»^۱ - برداشت ذهنی - افکار عمومی جهانی اقدام به فضا سازی علیه اسلام و مسلمانان کرده‌اند. بر اساس این مدیریت ادراک، تصویری غیرواقعی از اسلام در نزد بعضی افراد غربی پدید آمده است (محبیان، ۱۳۸۹: ۲).

نگاهی به تعاریف مربوط به اسلام‌هراسی می‌تواند ابعاد این مفهوم را برای ما بیش از پیش تبیین کند. مؤسسه «رانیمد تراست»^۲ در انگلیس که به امر تبعیض و نفرت در این کشور می‌پردازد هشت برداشت را درباره اسلام‌هراسی به شرح زیر شناسایی کرده است:

۱. تمدن اسلامی، بلوکی است تک‌صدا، ایستا و بدون واکنش در مقابل تغییرات.
۲. تمدن اسلامی، «دیگری» مجزاست که فاقد ارزش مشترک با دیگر فرهنگ‌هاست، از آن‌ها تأثیر نپذیرفته و بر آن‌ها تأثیر نمی‌گذارد.
۳. تمدن اسلامی، تمدنی است فرودست در مقابل تمدن غرب و تمدنی غیرعقلانی، ابتدایی و جنسیت‌گرا در نظر گرفته می‌شود.
۴. تمدن اسلامی، تمدنی است خشن، ستیزه‌جو، تهدیدکننده، حامی تروریسم و درگیر در رویارویی تمدن‌ها.
۵. اسلام، نوعی ایدئولوژی سیاسی است که برای اهداف سیاسی و نظامی استفاده می‌شود.
۶. انتقادهای مسلمانان در خصوص غرب، انتقادهای کهنه و منسوخ است.
۷. خصومت با اسلام توجیهی است برای رفتارهای تبعیض‌آمیز در قبال مسلمانان و طرد آنان از جامعه.
۸. خصومت با اسلام امری عادی محسوب می‌شود (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹: ۳).

اسلام‌هراسی به عنوان یک گفتمان: اسلام‌هراسی در واقع یک گفتمان است که با قدرت رابطه دارد و خودش تولید قدرت می‌کند بنابراین در اسلام‌هراسی فهم غرب از اسلام ملاک عمل است نه آنچه که

اسلام در واقع است. در این گفتمان تقابل‌های دوگانه را شاهد هستیم. تقابل‌هایی مانند تمدن در مقابل عقب‌ماندگی، امنیت در مقابل ناامنی و تروریسم، عقلانیت در مقابل افراطی‌گری که در تمام تقابل‌ها تمدن غرب مظهر خوبی‌ها و اسلام مظهر بدی‌هاست.

اسلام‌هراسی یک سازه اجتماعی تعمیدی: اسلام‌هراسی را نمی‌توان یک سوء برداشت ناشی از انحراف طبیعی و سهوی اذهان عمومی دانست بلکه اسلام‌هراسی یک سازه اجتماعی نهادهای قدرت برای بهره‌برداری راهبردی و سیاسی است.

اسلام‌هراسی یک بیماری روانی گروهی: از منظر روان‌شناختی می‌توان اسلام‌هراسی را به‌عنوان نوعی بیماری روانی گروهی و اجتماعی نیز تحلیل کرد. فرد در نوعی از بیماری روانی کمبودها و کاستی‌های خود را در دیگران جست‌وجو می‌کند و به‌همین علت به آن‌ها حمله می‌کند. به‌عبارتی تمدن غرب با سابقه طولانی در جنگ، تفتیش عقاید، جنگ‌های صلیبی و کشتار و توحش، اینک پس از ۱۱ سپتامبر خشونت تاریخی خود را در دیگران می‌بیند و انعکاس آن‌را در جای دیگر غیر از خود جست‌وجو می‌کند. در این بیماری روانی نوعی از ترس نیز وجود دارد. در سال ۲۰۰۸، ۶۵ درصد مخارج تسلیحاتی به‌وسیله اروپا و آمریکا صورت گرفته درحالی که تنها ۱۷ درصد مردم جهان را شامل می‌شوند. (آمریکا به تنهایی ۴۱/۵ درصد کل هزینه‌های نظامی را داشته است) می‌توان گفت فقط کسانی که می‌ترسند این قدر برای تسلیحات هزینه می‌کنند (هاشمی، ۱۳۸۸: ۴).

مجریان اصلی اسلام‌هراسی را می‌توان رسانه‌ها دانست. کلیشه‌هایی مانند بنیادگرایی اسلامی، تروریسم اسلامی، بمب‌های اسلامی و... که زاینده اقدام‌های شبهه‌انگیز رسانه‌های غربی بوده نقش قابل توجهی در این برداشت‌ها داشته است. رسانه‌های جهانی، تصویری نه‌چندان شایسته و حتی دور از واقعیت از اسلام ارائه می‌دهند. تصویر چریک‌های مسلمان که در پی اقدام به بمب‌گذاری هستند، تصاویر روحانیونی که رهبران جریان‌های تروریستی هستند، مردان خشنی که به زبان عربی تکلم می‌کنند و به انواع تجهیزات جنگی و نظامی مجهزند. به تعبیر «دوارد سعید»: «رسانه‌ها و کارشناسان آمریکایی و غربی تعیین می‌کنند که ما نسبت به بقیه جهان (دیگران) چه اندیشه‌ای داشته باشیم» (سعید، ۱۳۷۹: ۵۱). درواقع اسلام‌هراسی

نوعی از «مدیریت برداشت‌هاست»^۱ که بیشتر از سوی رسانه‌ها صورت می‌گیرد. به قول نیل پستمن^۲ «ما واقعیت را آن گونه که هست نمی‌بینیم بلکه آن گونه می‌بینیم که زبان‌هایمان هستند و زبان‌های ما رسانه‌های ما هستند و رسانه‌های ما استعاره‌های ما». البته بازیگران دیگری نیز در هدایت افکار عمومی علیه مسلمانان دارای نقش هستند شامل گروه‌های مسیحی، لاییک‌های مهاجر از کشورهای اسلامی، ایدئولوژی‌های انحرافی مانند مارکسیسم و بهائیت، گروه‌های نژادپرست و ... بعد از ۱۱ سپتامبر شاهد افزایش قابل توجهی در پوشش خبری روزنامه‌ها از اسلام و مسلمانان هستیم. تحقیق سال ۲۰۰۲ «وایتکر»^۳ نشان دهنده افزایش غیرمعمول تعداد مقاله‌هایی است که حاوی واژه مسلمانان (قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر) است.

جدول مقاله‌های حاوی واژه مسلمانان

عنوان روزنامه	۲۰۰۰-۲۰۰۱	۲۰۰۱-۲۰۰۲	درصد افزایش
گاردین	۸۱۷	۲۰۴۳	۲۵۰
ایندیپندنت	۶۸۱	۱۵۵۶	۲۲۸
تایمز	۵۳۵	۱۴۸۶	۲۷۸
دیلی تلگراف	۴۱۷	۱۱۷۶	۲۸۲
دیلی میل	۲۰۲	۳۵۰	۳۲۲
دیلی میرور	۱۶۴	۹۲۰	۵۶۱
دیلی اکسپرس	۱۳۹	۳۰۵	۲۱۹
سان	۸۰	۵۲۶	۶۵۸
دیلی استار	۴۰	۱۴۴	۳۶۰

1. Image Management
2. Neil Postman
3. Whittaker

بی تردید، در بنگاه‌های خبری، به‌ویژه گاردین و ایندپندنت افزایش قابل توجهی در هر دو دوره قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر دیده می‌شود. با این حال افزایش این رقم در بسیاری از روزنامه‌ها قابل توجه بوده است (Saeed, 2007:12).

ارائه تصویری موحش از مسلمانان، منتسب کردن تمامی حوادث سو، انفجارها، ترورها، بحران‌های اقتصادی به مسلمانان در دستور کار رسانه‌های غربی است. در هالیوود تمام مردم جهان به‌غیر از آمریکایی‌ها نوعی شرارت را به یدک می‌کشند. به‌طور مثال ایتالیایی‌ها؛ مافیایی، آسیایی‌ها؛ حيله‌گر، سیاه پوستان؛ بی‌فرهنگ و مردم آمریکای لاتین؛ خریدار و فروشنده مواد مخدر معرفی می‌شوند که شخصیت آمریکایی باید با تمام این گروه‌ها مبارزه و افراد مظلوم را نجات دهد. مسلمانان در فیلم‌های هالیوودی به‌عنوان افرادی هواپیماربا، بمب‌گذار و آدمکش به تصویر کشیده می‌شوند و در این میان زنان مسلمان مظلومینی نشان داده می‌شوند که از سوی مردان مورد ظلم واقع شده و در حقیقت برده مردان مسلمان هستند. آن‌ها این‌گونه مسئله را جلوه می‌دهند که عرب‌ها و به‌طور کلی مسلمانان در اساس بی‌فرهنگ و خشن هستند و رژیم صهیونیستی و آمریکا تنها برای حفظ حیات خود بین این همه خشونت ناچار هستند از نیروی نظامی استفاده کنند. در خبرنامه‌ها و عکس‌های خبری، اعراب همواره به تعداد انبوه نشان داده می‌شوند که هیچ فردیت و هیچ ویژگی یا تجربه شخصی در آن‌ها دیده نمی‌شود. اغلب عکسی حاوی خشم و بدبختی یا رُست غیرعقلانی از آن‌ها به تصویر می‌کشند. پشت سر این تصاویر، تهدیدی به‌نام «جهاد» خوابیده است. برآیند کار، ایجاد نوعی ترس از مسلمانان (یا اعراب) است که کل جهان را تهدید می‌کند. به‌طور کلی می‌توان گفت که اسلام در بیشتر رسانه‌های تبلیغاتی غرب، «خطری بزرگ برای تمدن غربی» به‌حساب می‌آید و مسلمانان نیز اغلب گروه‌های خشونت‌طلب و تندرو که جهاد را پیشه خود قرار داده و به چند همسری (تعدد زوج) اعتقاد دارند و مخالف سکولاریسم و آمیختگی با دیگر مردم هستند، شناخته شده‌اند (پایگاه خبری-تحلیلی صراط، ۱۳۸۸). دلائل زیر علل اصلی اسلام‌هراسی غربی‌ها را تشکیل می‌دهد:

جهل غربی‌ها نسبت به اسلام: در غرب مردم از روی جهل و حاکمان از روی عناد، با ذات اسلام آشنایی ندارند. مشاهده شده است کسانی که به گونه‌ای شناخت حتی اولیه نسبت به اسلام پیدا کرده‌اند؛ نظرشان

نسبت به اسلام به‌طور کلی تغییر کرده و به اسلام روی آورده‌اند. عده‌ای نیز با وجود شناخت کامل اسلام، از روی عناد با آن دشمنی دارند زیرا اسلام را برای حفظ جایگاه خود مشکل‌ساز می‌دانند (طاهری موسوی، ۱۳۸۶: ۷۳). در غرب، اطلاعاتی سطحی نسبت به اسلام وجود دارد که از منابعی نامطمئن و فاقد احاطه علمی به اسلام اخذ شده است (پگاه حوزه، ۱۳۸۵: ۲).

اسلام سیاسی: منظور از اسلام سیاسی، اسلامی است که سعی دارد خود را به تمام دنیا تحمیل کند. این جهان‌گرایی اسلام که در غرب به افراط‌گرایی و اصول‌گرایی معروف است، به نقطه حمله ایده‌آلی برای غربی‌ها علیه اسلام تبدیل شده است.

اسلام و لایسیسم (نظام غیردینی): از دیدگاه اروپاییان، حجاب به‌عنوان یکی از مظاهر اسلامی باید ممنوع شود و بهانه این کار نیز منافات آن با اصول لایسیسم عنوان می‌شود.

عوامل جمعیتی: یکی از مهم‌ترین خطرهایی که جوامع غربی حس کرده‌اند غلبه جمعیتی مسلمانان در اروپا و در نتیجه غلبه اسلام و توسعه آن در این جوامع است (طاهری موسوی، ۱۳۸۶: ۸۷).

سرشار بودن تاریخ از درگیری میان اسلام و غرب و تعارض منافع و اختلاف خاستگاه‌های ارزشی: امروزه غرب رفتارها و هنجارهایی را پذیرفته که بسیاری از آن‌ها در تعارض با اسلام است. هنجارهایی مانند آزادی قمار، شرط‌بندی، مشروبات الکلی، قانونی‌شدن فحشا، همجنس‌بازی و ... اسلام این رفتارها را حرام و مستوجب مجازات می‌داند، از این‌رو طبیعی است که غربی‌ها اسلام و آموزه‌های اسلامی را تهدیدی جدی برای آنچه آزادی‌های اساسی و غیرقابل مناقشه می‌خوانند، بدانند.

خلط میان دین اسلام و وضع کنونی مسلمانان؛ پنهان نیست بحران‌های متعدد امت اسلام در طول تاریخ موجب شده تا مسلمانان به‌لحاظ مشارکت در تمدن بشری و ارتقای سطح بشری در رتبه‌های پایینی قرار گیرند. در سطح سیاسی، جنگ‌ها و نزاع‌های مسلحانه و در سطح اقتصادی، زندگی بیش از نیم میلیارد مسلمان زیر خط فقر و در سطح اجتماعی، از رنج کشورهای اسلامی از تضادهای طبقاتی شدید و فزاینده، انحطاط جایگاه زنان، کنار نهاده‌شدن جوانان، کم‌توجهی به کودکان و لرزان بودن نظام‌های ارزشی و لگدمال شدن آن‌ها در زیر گام ارزش‌های مهاجم غربی می‌توان سخن گفت. در سطح فرهنگی نیز به‌نظر می‌رسد

که جهان اسلام، به طور کامل از انقلاب‌های معرفتی، اطلاعاتی و علمی که جهان شاهد آن بوده، منقطع یا کم‌ترین سهم را داشته و در بهترین حالت‌ها، مصرف کننده سیری‌ناپذیر دستاوردهای فن‌آورانه آن بوده است. در پی این اوضاع ناگوار و با تلاش‌های جنبش‌های صهیونیسم و استعمار، در تعمیق این وضع نمایش و بزرگ‌نمایی حجم آن، طبیعی است که نوعی هم‌ذات‌پنداری خودکار، میان اسلام، فقر و عقب‌ماندگی ایجاد شود و ریشه ضعف و پس‌ماندگی مسلمانان، به اسلام نسبت داده شود.

پذیرش تصویرهای پیش‌ساخته منفی نسبت به مسلمانان: در بسیاری از موارد خطاها و تجاوزکاری‌های انسان‌ها به افکاری نسبت داده می‌شود که پذیرفته‌اند. مسئولیت رفتار نادرستی که از برخی مسلمانان سر می‌زند نیز به اسلام نسبت داده می‌شود (پگاه حوزه، ۱۳۸۵: ۴).

حوادث ۱۱ سپتامبر: از وقوع این حادثه تا امروز، اسلام در رسانه‌ها به‌حدی مورد حمله قرار گرفته که انزجار عمومی مردم قوی‌تر شده است (طاهری موسوی، ۱۳۸۶: ۸۸).

اهداف سناریوی اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی درواقع ناظر بر طراحی بازی برد- برد از جانب نظام سلطه در برابر بیداری اسلامی است؛ بدین‌معنا که بی‌حسی و بی‌تفاوتی مسلمانان در برابر تکرار اهانت‌ها، از یک‌سو تلاشی خواهد بود برای پیشروی بیشتر در برابر بیداری اسلامی و تفوق فرهنگ غربی در مقابل خودآگاهی دینی و بازیابی هویت اسلامی مسلمانان و از سوی دیگر با واکنش غیر معقول مسلمانان یا به‌عبارتی با وارد کردن مسلمانان به اشتباه، القای مظلومیت غرب و پیشبرد اهداف موردنظر را رقم بزند.

بخشی از اهداف سناریوی اسلام‌هراسی عبارتند از:

۱. جلوگیری از مهاجرت مسلمانان به غرب و ایجاد مهاجرت معکوس مسلمانان؛

۲. جلوگیری از رویکرد مردم غرب به اسلام: گسترش جمعیت مسلمانان از یک‌سو و رویکرد مردم

غرب به اسلام و همچنین کاهش یا گاهی منفی‌شدن نرخ رشد جمعیت در کشورهای اروپایی،

باعث ایجاد نگرانی عمیقی در نزد سردمداران غربی شده است به‌گونه‌ای که با انتشار برخی آمارها،

پیش‌بینی کرده‌اند تا چند دهه آینده اروپا قاره‌ای مسلمان خواهد شد (سراج، ۱۳۸۷: ۹). برنارد

لویس - محقق آلمانی ضد اسلام می گوید: «در پایان قرن ۲۱، اروپا مسلمان خواهد شد.» کارشناسان آمار، با مقایسه رشد دو جمعیت مسلمان و مسیحی در فرانسه، معتقدند که این کشور حداکثر تا چهل سال آینده به کشوری با بیشترین جمعیت مسلمان تبدیل خواهد شد (هاشمی، ۱۳۸۸: ۴).

۳. اندازه گیری میزان حساسیت و واکنش مسلمانان برای اجرای توطئه های بعدی (زواری، ۱۳۸۴: ۲).
۴. ممانعت از روند واگرایی اروپا نسبت به آمریکا: آمریکا با بهره گیری از القای خطر کمونیسم، موفق شده بود در طول جنگ سرد، اروپا را به عنوان متحد راهبردی در کنار خود حفظ نماید. با فروپاشی شوروی و منتفی شدن خطر کمونیسم، روند واگرایی اروپا نسبت به سیاست های آمریکا به طور تدریجی آغاز گردید. ادامه این روند آمریکا را در مناسبت های بین الملل و مهار چالش های پیش رو تنها می گذارد. براین اساس اسلام هراسی را به عنوان یک الزام برای حفظ وضع موجود و همراهی اروپا با سیاست های آمریکا فراهم می کند.

۵. ایجاد تقابل مسیحیت با اسلام.

۶. مهار جمهوری اسلامی ایران: درواقع اسلام هراسی و اسلام ستیزی در نزد طراحان سلطه گر مترادف با ایران هراسی و ایران ستیزی است. بر همین اساس مسئولان آمریکایی بارها ایران را محور شرارت و بانک مرکزی تروریسم در منطقه و جهان معرفی کرده اند. درواقع اسلام هراسی ناظر بر تلاش مهار همه جانبه ایران از طریق انزوای کشورمان در مناسبت های بین المللی، ایجاد اجماع و محدودیت های اقتصادی علیه آن، ایجاد شکاف و تقابل بین جمهوری اسلامی و کشورهای عربی منطقه است.

۷. تداوم حضور نظامی و اشغال گری آمریکا در منطقه: عملیاتی شدن راهبرد اسلام هراسی، حضور نظامی آمریکا و متحدان او را در منطقه استمرار بخشیده و باعث تداوم اشغالگری می گردد. ضمن آنکه تداوم حضور نظامی آمریکا در واقع متضمن ایجاد امنیت برای رژیم صهیونیستی نیز است.

البته اهداف دیگری از جمله سرپوش گذاردن بر شکست آمریکا در عراق و خاورمیانه، شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه و... را نیز می توان متصور نمود (سراج، ۱۳۸۷: ۹).

انحراف افکار عمومی از حقایق حادثه ۱۱ سپتامبر: دولت آمریکا تلاش می کند هرساله با ایجاد موضوع های فرعی، جنجالی و انحراف افکار عمومی به مسائل حاشیه ای، بر جنایت خود کرده (۱۱ سپتامبر) سرپوش بگذارد (افشار، ۱۳۸۹: ۱۲).

راهبردهای اجرایی سناریوی اسلام هراسی

در چند سال اخیر رسانه های غربی - اغلب وابسته به محافل صهیونیستی - با جعل یا انتشار عامدانه برخی اطلاعات، اقدام به ایجاد محور فشار علیه اعتقادات مسلمانان کرده و بیشتر رسانه های بین المللی مورد تأثیر فضای ایجاد شده، به دنباله روی از آن مسئله و دامن زدن به بحران خبری و سیاسی پرداخته اند. آمریکا برای موفقیت شبکه سازی در کشورهای اسلامی به خصوص ایران، بر یک راهبرد کلی تأکید دارد و آن تلاش برای معکوس کردن جریان ایده ها است. در این رابطه مطالب و کتاب های مهم متفکران و روشنفکران غربی در میان مسلمانان مهاجر در ترکیه، اندونزی و به ویژه ایران با هدف ترویج اسلام غربی به زبان عربی ترجمه و در سطحی گسترده انتشار می یابد. علاوه بر این شماری از محققان آمریکایی نیز می کوشند تا ثابت کنند که جنگ جویان حاضر در میان مسلمانان معاصر، تبلور امروزی تروریست های صدر تاریخ اسلام هستند. به رغم تنوع و تکثری که در تنویر کرده کردن راهبردهای این اقدام شوم و کلان فرهنگی واشنگتن در قبال مسلمانان در عرصه علمی و محافل فرهنگی و سیاسی - رسانه ای وجود دارد، آمریکا تلاش دارد تا با انجام اقدام های مدنی علیه کشورهای اسلامی از جمله ایران به شیوه ای نرم بر منابع قدرت جهانی مسلط شود. بدیهی است که فاجعه هولناک اهانت به قرآن کریم در سازمان سیا و مراکز امنیتی رژیم اشغال گر قدس طرح ریزی شده و چنین عملی با موافقت شخص رئیس جمهوری آمریکا صورت گرفته است (طاهری، ۱۳۸۹: ۷).

با توجه به نظریه «برخورد تمدن ها» هانتینگتون و تردیدهایی که در مورد صحت ادعای آمریکائی ها مبنی بر این که مسلمانان برج های دوقلو را منفجر کردند و نسبت دادن آن به القاعده، می توان تصور کرد که غربی ها این کار را برای متهم کردن مسلمانان انجام داده تا بگویند پایگاه این مسلمانان در افغانستان و سایر کشورهای

اسلامی است و آن‌ها باید آنجا حضور داشته باشند تا از نفوذ مسلمانان به جهان غرب جلوگیری کنند. نظریه‌پردازان غربی معتقدند که «گر غرب در کابل و قندهار با مسلمانان افراطی مواجه نشود، فردا باید در پاریس و لندن و رم مواجه شود». عوامل صهیونیستی در پشت صحنه فعالیت‌های کشورهای غربی وجود دارند. هم‌اکنون نیز آمریکایی‌ها به این راه‌کار متوسل شده‌اند که کلیسا را پشت خودشان داشته باشند بنابراین به تحریک مذهبی مسیحیت اقدام می‌کنند. در ماجراهای اخیر نیز نظریه از مبنا صهیونیستی هانتینگتون را تا جایی رسانده‌اند که کشیشی می‌خواست قرآن را آتش بزند. درواقع غربی‌ها می‌خواهند تعصب صلیبی‌گری علیه مسلمانان را در جهان مسیحیت دامن بزنند تا پشت تهاجم ناتو و آمریکا، توجیه مذهبی داشته باشند (ولایتی، ۱۳۸۹: ۴۵).

سناریوی^۱ شیعه‌هراسی؛ تحلیل، اهداف و راهبرد

تحلیل سناریوی شیعه‌هراسی

در حال حاضر آمریکا و لابی صهیونیستی دنبال این هستند که ببینند ظرفیت‌های جهان تشیع چیست و چه ارتباطاتی با جهان تسنن دارد. اقدام‌های رزمندگان حزب‌الله در بیرون کردن رژیم اشغال‌گر قدس از جنوب لبنان به‌ویژه در جنگ ۳۳ روزه موجب شد که غربی‌ها با همکاری رسانه‌های کشورهای عربی به تشدید پروسه شیعه‌هراسی بپردازند و از آنجایی که احساس می‌کنند که ایران خواستگاه تشیع است، ایران را مورد هدف قرار داده و انواع جنگ‌های رسانه‌ای و جنگ نرم را پایه‌ریزی کردند تا از شکل‌گیری یک نظام امنیتی پایدار با محوریت ایران در جهان اسلام و منطقه جلوگیری کنند و درهمین راستا رژیم اشغالگر قدس دست به اقدام‌های تروریستی علیه شخصیت‌های تأثیرگذار شیعه زده است. از طرفی محور بسیاری از تحریک‌ها و حمایت‌های مالی از فرآیند شیعه‌هراسی را باید در دل وهابی‌ها و سلفی‌های عربستان و پاکستان جست‌وجو کرد. اکنون این دو گروه- غربی‌ها و کشورهای عرب منطقه با محوریت عربستان- با به‌کارگیری رسانه‌هایشان به‌نوعی تلاش می‌کنند تا شیعیان را در منطقه منزوی کنند. در هر انتخاباتی سرمایه‌گذاری مالی و تبلیغاتی کلانی انجام می‌دهند تا انتخابات را به نفع جریان‌های ضد شیعه هدایت

۱. به منظور ارائه فارسی این کلمه در ادبیات سیاسی، واژه مناسب و مطلوب یافت نشد.

کنند. به نظر می‌رسد الآن موضوع شیعه‌هراسی به این دلیل که یک محوریت منطقه‌ای با ابعاد و ادبیات انقلاب اسلامی و ادبیات ضد استکباری به نام ایران شکل گرفته، روز به روز شدت بیشتری پیدا می‌کند (هانی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳). غربی‌ها در تحقیق‌های خود از عوامل پیروزی انقلاب به طور کامل شیعی جمهوری اسلامی ایران و پیروزی‌های اخیر حزب الله و پیروزی سایر گروه‌های شیعی، دو دلیل عمده را عامل این موفقیت‌ها بیان کردند: ابتدا نگاه شهادت‌طلبی که برگرفته از قیام امام حسین (ع) در کربلاست که به «نگاه سرخ» و دیگری مسئله انتظار منجی آخرالزمان حضرت مهدی موعود (عج) است که به «نگاه سبز» تفسیر شده است. برداشت صهیونیست‌ها این است که اگر این از شیعه این دو موضوع را بگیرند، جلوی همه‌گیر شدن اسلام در جهان را خواهند گرفت (صابونچی، ۱۳۸۹: ۵).

اهداف ستاریوی شیعه‌هراسی

مهم‌ترین اهداف عملیاتی و راهبردی متولیان دیپلماسی تبلیغاتی غرب از کاربست آینده‌های شیعه‌هراسی عبارتند از:

۱. جلوگیری از شکل‌گیری ترتیبات امنیتی بومی و پایدار: با توجه به وجود اقلیت‌های شیعی در برخی کشورهای عرب منطقه که بیشتر آن‌ها با حکومت مرکزی خود مشکل دارند، پادشاه اردن ادبیات جدیدی را با نام «جغرافیای سیاسی هلال شیعه»^۱ وارد گفتمان سیاسی منطقه‌ای کرد که توانسته تا حدودی حاکمان سنی منطقه را بجای «همزیستی مسالمت آمیز»^۲ با ایران یا گروه‌های شیعی، به سمت تنش و بی‌اعتمادی متمایل کند. به عنوان مثال بحرین مدعی است جمهوری اسلامی ایران با حمایت از شیعیان ارتش برای وقوع کودتا در بحرین تلاش می‌کند به همین علت دولت منامه ضمن جلوگیری از ورود شیعیان، از مهاجرت عرب‌های سنی به این کشور با هدف تغییر «موازنه ترکیب جمعیتی»^۳ پشتیبانی می‌کند، به عبارتی وجود نزدیک به هفتاد درصد جمعیت شیعه، بی‌اعتمادی میان منامه و تهران و مدیریت آینده‌های ایران‌هراسی در منطقه به وسیله آمریکا، برخی از دلایل تمایل این کشور برای انعقاد توافق‌های امنیتی با

قدرت‌های فرمانطقه‌ای برون‌سیستمی است. از طرفی همزمان ایالات متحده برنامه‌ریزی می‌کند تا حداکثر منافع جهانی خود را از طریق فضای ایجاد شده تضمین نموده و با استفاده از ابزارهای دیپلماسی عمومی به گسترش واگرایی فرقه‌ای میان شیعه و سنی در منطقه دامن زده تا ضریب احتمال شکل‌گیری پیمان‌های دفاعی درون‌سیستمی و تحقق «امنیت بومی و پایدار»^۱ که شرط اولیه آن وجود اعتماد متقابل است را کاهش دهد.

۲. انعکاس تصاویر مجازی از جنبش‌های مقاومت شیعی: یکی از ترفندهای شیعه‌هراسی آمریکا، انعکاس تصاویر مجازی و گزارش‌های انحرافی از مشارکت عوامل وابسته به حزب الله لبنان در امور داخلی سایر کشورهاست. به عنوان مثال حزب الله را عامل امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران برای اثرگذاری بر ساختار امنیتی خاورمیانه معرفی کرده‌اند. برخی از ادعاهای غرب برای انعکاس تصاویر غیرواقعی از جنبش شیعی حزب الله عبارتند از: مداخله حزب الله در ناامن‌سازی عراق، مداخله در فرایند طبیعی انتخابات لبنان و آموزش نظامی برخی شیعیان کشورهای منطقه به‌ویژه بحرین.

۳. تهدیدسازی برای ج.ا.ا از طریق شبه نظامیان وهابی مانند اقدام‌های تروریستی گروهک جندالشیطان و سپاه صحابه (دلاورپور اقدم، ۱۳۸۸: ۲۴).

۴. پیوند زدن تفکر اهل سنت با وهابیون برای تحریک شیعیان علیه جامعه اهل سنت و ایجاد جنگ فرقه‌ای میان شیعه و سنی.

۵. توجیه اقدام‌های تروریستی شیعه‌زدایی گروه‌های نزدیک به وهابیون (مشفق، ۱۳۸۶: ۲).

۶. مقابله با گسترش روزافزون جمعیت شیعه در جهان: به رغم تبلیغات گسترده دشمنان تشیع به‌ویژه وهابیت علیه شیعه و نیز مشکلات و ضعف‌هایی که در برنامه‌های تبلیغی شیعیان وجود داشته آخرین آماری که انتشار یافته است، حکایت از روند رو به رشد تعداد شیعیان دارد که این روند به‌خصوص از سال ۲۰۰۵ بسیار سریع شده است. این در حالی است که گسترش تعالیم این

مذهب در جهان باعث شده در بسیاری از کشورهای غربی نیز تشیع گسترش یابد. طبق جدیدترین آمار، ۹۰ درصد مردم ایران، ۸۵ درصد مردم آذربایجان، ۸۰ درصد مردم بحرین، ۶۵ درصد مردم عراق، بیشتر مسلمانان لبنان (۵۵ درصد)، ۴۵ درصد مردم یمن، ۳۵ درصد مردم پاکستان، ۳۶ درصد مردم کویت، ۳۶ درصد مردم قطر، ۲۰ درصد مردم ترکیه، ۱۸ درصد مردم افغانستان، ۱۷ درصد مردم سوریه، ۱۶ درصد مردم امارات متحده عربی و ۱۰ درصد مسلمانان هند را شیعیان تشکیل می‌دهند. هر چند که از شواهد به‌نظر می‌رسد آمار گفته شده کمی از حد واقعی پایین‌تر باشد. مطابق با آمار غیررسمی تعداد شیعیان در جهان اسلام از بعد از انقلاب اسلامی به طرز عجیبی افزایش یافته و اکثریت مطلق شیعیان، ۱۲ امامی هستند و شیعیان هم‌اکنون، ۲۵ درصد جمعیت اسلام را تشکیل می‌دهند که این عدد نیز با نرخ قابل توجهی در حال ازدیاد است. به تمام این مسایل باید تقیه سنی‌های شیعه شده را که از ترس کشته شدن به‌وسیله وهابیون و سلفی‌های تندرو شیعه شدن خود را پنهان می‌کنند نیز افزود (نصر هرندی، ۱۳۸۷: ۳).

راهبردهای اجرایی سناریوی شیعه‌هراسی

با توجه به افزایش گرایش به مذهب شیعه، مهمترین ترفندهای مخالفان برای ترویج شیعه‌هراسی عبارتند از:

۱. تقویت اثربخشی تهاجم نرم از طریق کاربست توأمان شیعه‌هراسی با اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی؛
۲. ترغیب کشورهای عرب منطقه به مهندسی امنیتی جغرافیای سیاسی شیعه: کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس متأثر از آینده‌های تبلیغاتی شیعه‌هراسی، سیاست‌های آمایش جمعیتی شیعیان را در دستور کار خود قرار داده‌اند و در این راستا سعی می‌نمایند تسهیلاتی را برای مهاجرت سنی‌های غیربومی برای تعادل‌سازی و مهندسی آمایش جمعیتی مانند اقدام‌های دولت بحرین فراهم نموده و میزان دوری یا نزدیکی مخالفان شیعه به پایتخت آن کشور، جمهوری اسلامی ایران یا کشورهای دارای اختلاف را مد نظر داشته باشند. از طرفی میزان پراکندگی و تراکم جمعیت

شیعیان در ساختارها و تأسیسات راهبردی و قطب‌های زیارتی مورد تأکید بوده و سعی دارند تا میزان اشتغال و فعالیت شیعیان در صنعت نفت و قطب‌های اقتصادی را به حداقل برسانند.

۳. انگاره‌سازی‌های هدمند: یکی از ترفندهای تبلیغاتی غرب به تصویر کشاندن برخی مسئولان عالی‌رتبه شیعه در کنار افراد غیرمحبوب و مستبد در جلد برخی نشریه‌های معتبر خبری است که این ترفند تبلیغاتی بارها به‌وسیله نشریه تایمز لندن مورد استفاده قرار گرفته تا از لحاظ روانشناختی به مخاطب این پیام را القا نماید که رهبران شیعی هنجارهای بشردوستانه را رعایت نمی‌کنند.

۴. حداکثر بهره‌گیری از محیط‌های سایبر: یکی از ابزارهای نظریه‌پردازان شیعه‌زدایی در ساختار امنیتی خاورمیانه؛ بهره‌گیری آنان از ظرفیت‌های محیط سایبر است که از مصادیق آن می‌توان به هک کردن همزمان سرور آل‌البیت به‌عنوان بزرگترین سرور جهان تشیع و همچنین ۳۰۰ وب‌سایت اینترنتی وابسته به حوزه علمیه قم یا چهره‌های شاخص مکتب تشیع از سوی یک «گروه وهابی»^۱ اماراتی در شهریور ۱۳۸۷ اشاره کرد (دلاورپوراقدم، ۱۳۸۸: ۲۱).

سناریوی ایران‌هراسی: تحلیل، اهداف و راهبرد

تحلیل سناریوی ایران‌هراسی

درحال حاضر آقای بابی سعید-استاد جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه منچستر انگلیس- در کتاب خود باعنوان «غرب و هراس بنیادین» به نوعی مواجهه غرب با اسلام در غالب اسلام سنتی و بنیادگرایی اسلامی با نوگرایی را مورد بحث قرار داده و معتقد است امت اسلامی برای خروج از این بحران ناگزیر است به الگوی امام خمینی و ولایت فقیه روی آورد (بخشایشی، ۱۳۸۹: ۲).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و رویگردانی یک متحد و دوست از متحد (آمریکا) و دوست (رژیم اشغال‌گر قدس) سابق خود، آرام‌آرام پروژه‌ای در غرب کلید خورد که می‌توان آن را پروژه «ایران‌هراسی» نامید. در این پروژه، استفاده شدید از ظرفیت‌های رسانه‌ای برای القای خطر ایران برای صلح و ثبات منطقه و از سال ۲۰۰۳ به بعد، ثبات و آرامش بین‌المللی بسیار پررنگ است. درحقیقت تلاش می‌شود این‌گونه القا

1. Wahhabis

شود که مهم‌ترین عامل برهم زنده نظم و ثبات جهان به‌طور کامل آرام و پر از صلح و دوستی کنونی، جمهوری اسلامی ایران است. در این میان؛

الف- ایران به شکل بسیار مضحکی، عامل کلیدی ممانعت از به سرانجام رسیدن صلح در خاورمیانه نشان داده می‌شود و در مقابل به‌سادگی از کنار احساس نفرت و بی‌اعتمادی عمیق فلسطینیان به رژیم اشغال‌گر قدس، کمک سنگین آمریکا به رژیم صهیونیستی و... گذشته می‌شود.

ب- ایران عامل اصلی نقض حقوق بشر شمرده شده و در کنار آن به آرامی از «خطاهای» حکومت‌هایی که حتی حضور یک مجلس از نمایندگان هم در ساختار سیاسی کشور، ثقیل و سخت است، چشم‌پوشی می‌شود.

پ- روحیه تهاجمی و جنگ‌جویانه رژیم اشغال‌گر قدس با زرادخانه‌ای نزدیک به ۲۴۰ کلاهک هسته‌ای به‌سادگی مورد بخشش قرار گرفته و در مقابل تلاش ایران برای کسب دانش هسته‌ای و بومی‌سازی آن به‌عنوان زنگ خطری برای تمامی کشورهای منطقه و جهان معرفی می‌شود (روزنامه ابتکار، ۱۳۸۹: ۴).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اقدام‌های غرب برای مقابله با کشورمان بر دو محور استوار شد؛ نخست آن‌که همانند گذشته سیاست اسلام‌ستیزی خود را دنبال کند و دیگر آن‌که شروع به ترویج سیاست ایران‌هراسی در منطقه خاورمیانه نماید تا به این طریق منافع خود را در منطقه تأمین کند. به همین علت غرب بر آن شد تا نقشه‌اش در آسیای شرقی و غربی را این‌گونه پی‌گیری کند. دوم آن‌که همسایگان ایران که اغلب عرب هستند نسبت به تهران دچار هراس شوند و دیگر آن‌که در حیطه‌ای بزرگ‌تر، ترس از کشوری به‌نام ایران را به‌علت برنامه‌هایش که مهم‌ترین آن فعالیت‌های هسته‌ای بود، در سطح جهان تزریق کند (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۷).

راهبرد ایران‌هراسی هم‌زاد و مترادف با راهبرد اسلام‌هراسی و امواج آن است. با عملیاتی شدن موج اول ایران‌هراسی (هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی)، هراس ایجاد شده در بین کشورهای منطقه و جاه طلبی صدام، پازل جنگ‌افروزی آمریکا را کامل کرد و جنگی همه‌جانبه و گسترده را با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی، به ایران تحمیل کرد. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر با معرفی ایران به‌عنوان محور و کانون شرارت،

در عمل موج دوم ایران‌هراسی (همزمان با موج دوم اسلام‌هراسی) در سیاست خارجی آمریکا شکل گرفت. نومحافظه‌کاران جنگ‌سالار با انگاره‌سازی و تقسیم جهان به خیر و شر، سعی در القای این مفهوم داشتند که ایران در نقطه کانونی شرارت در جهان قرار گرفته است. متعاقب جنگ ۳۳ روزه و پیروزی حزب الله لبنان از یک‌سو و ناکامی‌های پی‌درپی آمریکا در سیاست‌های خاورمیانه‌ای و عراق، موج سوم ایران‌هراسی نیز کلید زده شد. با احساس نگرانی عمیق واشنگتن از تحکیم محور ایران، عراق، سوریه لبنان و فلسطین، راهبرد ایران‌هراسی بیش از پیش مورد تأکید قرار گرفت. از این‌رو نومحافظه‌کاران جنگ‌سالار راه خروج از بحران را در گرو توازن قدرت و بازدارندگی ایران یافتند بنابراین عملیاتی کردن موج سوم ایران‌هراسی، ناظر بر ایجاد بازدارندگی و مهار منطقه‌ای ایران است (سراج، ۱۳۸۸: ۲).

ایران‌ستیزی، اندیشه‌ای است که مبتکر آن رژیم صهیونیستی است و در واقع سی سال است که سران این رژیم بر پایه این تفکر حرکت کرده‌اند. دکتر هانی‌زاده معتقد است بعد از انقلاب اسلامی، معادله‌های سیاسی، نظامی و امنیتی به سود جهان اسلام تغییر کرد. موشه دایان وزیر خارجه و وزیر دفاع سابق رژیم صهیونیستی اعلام کرد که انقلاب اسلامی زلزله‌ای است که رژیم اشغال‌گر قدس را نابود خواهد کرد (هانی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱). اعراب نیز ضعف شدیدی در برابر افزایش نفوذ ایران در منطقه دارند. غرب نیز با دریافت این مسئله، پروژه ایران‌هراسی‌اش را دنبال و خرسند از وضعیتی است که برخی اعراب یافته‌اند. نگرانی که دولت‌های عرب در این زمینه دارند به حدی است که گویی تهران، برایشان از تل‌آویو خطرناک‌تر است. اعراب معتقدند ایران قصد کسب جایگاه آن‌ها و رهبری خاورمیانه را دارد و همین گمان موجب شده تا در جبهه مقابل ایران قرار گیرند. این وضعیت پس از سقوط صدام و روی کار آمدن دولتی شیعه در عراق تشدید شده است. آن‌ها نگرانند که با بودن دولتی شیعه در همسایگی ایران، موازنه قدرت در منطقه به نفع کشورمان تغییر یابد (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۷).

رصد و محوربایی جنگ روانی نظام سلطه علیه ایران مؤید این موضوع است که سناریو ایران‌هراسی بر محورهای القا دسترسی به سلاح‌های هسته‌ای، حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر، القا تهاجمی بودن فن‌آوری‌های دفاعی، دخالت در امور سایر کشورها، اسلامی بودن نظام سیاسی، القا مخالفت با صلح و ثبات

منطقه‌ای و ... استوار است. مخدوش جلوه‌دادن ماهیت و ارکان نظام دینی و رویکرد تخصیصی نسبت به ایران، نقطه مشترک تمامی محورهای گفته شده است که برآیند آن چهره‌ای از کشورمان را در ذهن مخاطب ترسیم می‌کند که بر پیش‌فرض و انگاره ایجاد هول و هراس استوار است. دست‌کاری و فریب افکار عمومی و وارد کردن بازیگران در زمین بازی و نقش‌های تعیین شده از سوی آمریکا غایت اهداف سناریو ایران‌هراسی است که لازمه تحقق آن اجرای دقیق راه‌کارها و فنون متنوع، هدفمند و پیچیده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. بهره‌گیری از بار منفی واژه‌ها، کلمات و مفاهیم حساسیت برانگیز در افکار عمومی - فن «بار عاطفی کلمات» - (مانند نسبت‌دادن بنیادگرایی، تروریسم و شرارت به جمهوری اسلامی ایران).
۲. وانمایی و سیاه‌نمایی در خصوص ایران (مانند تهیه و نمایش فیلم ضد ایرانی ۳۰۰).
۳. بهره‌گیری از راه‌کار ارباب (مانند القای خطر فن‌آوری موشکی ایران برای اروپا).
۴. انگاره‌سازی‌های هدفمند (مانند قرار دادن تصویر آقای دکتر احمدی نژاد در کنار تصویر هیتلر).
۵. استفاده از راه‌کار همسان‌سازی (مانند قرار دادن نام سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی).
۶. تحریف اخبار مرتبط با ایران (مانند غیرصلح آمیز معرفی کردن پیشرفت‌های هسته‌ای ایران).
۷. القای مستقیم و غیرمستقیم (مانند معرفی ایران به عنوان محور و کانون شرارت در جهان).
۸. بهره‌گیری از فنون تکرار (مانند ایران به دنبال برتری بر کشورهای منطقه است).
۹. برجسته‌سازی ارزش خبری «برخورد» (مانند القای فضای تهدید یعنی ایران را تهدیدی علیه صلح و امنیت جهان و منطقه معرفی می‌کنند).
۱۰. «تنهاسازی» ایران در عرصه بین‌المللی (ادعای اینکه که عملکرد نظام اسلامی در زمینه‌های مختلف به ویژه هسته‌ای، انزوای بین‌المللی ایران را به دنبال داشته است).
۱۱. ترسیم چهره‌ای خشن و شرور از فرهنگ و تمدن ایران برای تحریک افکار عمومی ضد ایران

(سراج، ۱۳۸۸: ۳)

اهداف سناریوی ایران‌هراسی

انتقال بحران از مدیترانه به خلیج فارس: کاخ سفید با تأکید بر راهبرد ایران‌هراسی درواقع سعی دارد بر تحولات منبعث از پیروزی بزرگ حزب الله در جنگ جولای ۲۰۰۶ مدیریت نماید. در این راستا باتمركز روی این راهبرد و انتقال بحران به خلیج فارس درعمل سعی دارد تا وضعیت امنیتی رژیم صهیونیستی را بهبود بخشیده و همانند موج اول ایران‌هراسی، برای این رژیم جعلی فرصت‌سازی نماید.

سرعت بخشیدن به روند سازش اعراب و رژیم اشغالگر قدس: واشنگتن در موج دوم ایران‌هراسی به دنبال این هدف است که با ایجاد هول و هراس در بین کشورهای عربی از قدرت نفوذ ایران در منطقه، این کشورها را وادار به بازی کردن در میدان بازی تعیین شده نماید. فرآیند کانالیزه کردن کشورهای عربی منطقه، پازل آمریکا و لابی صهیونیسم را برای ایجاد جبهه عربی - صهیونیستی کامل می‌کند.

تشکیل ناتوی عربی از عمان تا لبنان: بازدارندگی در برابر قدرت ایران از طریق همکاری دولت‌های عربی منطقه از اهداف دیگر راهبرد ایران‌هراسی و سیاست خارجی آمریکاست. درواقع هدف واشنگتن از تأکید بر موج سوم ایران‌هراسی، جدا کردن ایران از همسایگان عرب و ایجاد بلوک عربی (ناتوی عربی) متشکل از شش کشور حاشیه خلیج فارس، مصر، اردن و آمریکا (۱+۲+۶) در برابر ایران است.

مهار منطقه‌ای ایران: عملیاتی شدن راهبرد ایران‌هراسی ناظر بر تلاش واشنگتن برای سوزاندن برگ‌های برنده ایران در منطقه است. کاخ سفید با ایجاد هول و هراس در کشورهای عربی سعی دارد آنان را وادار به نقش آفرینی در عراق، لبنان و فلسطین مطابق با سیاست‌های خود نماید.

منزوی کردن ایران در عرصه بین‌المللی: واشنگتن در واقع سعی دارد مدل کره شمالی را برای متوقف ساختن فعالیت‌های هسته‌ای ایران پیاده‌سازی کند. ضمن آن‌که اجرای راهبرد ایران‌هراسی به زعم آمریکا، می‌تواند باعث شکل‌گیری اجتماع ضدایرانی در جهان شده و بازیگران رسمی و غیررسمی را با سیاست‌های ایران‌ستیزانه کاخ سفید همراه نماید.

ایجاد مسابقه تسلیحاتی در منطقه: هدف دیگر، وادار کردن کشورهای عربی به مسابقه تسلیحاتی با ایران است تا واشنگتن از محل فروش تسلیحات بتواند بازار سودآوری را برای خود مهیا کند.

توجیه حضور نظامی و اشغالگری آمریکا در منطقه: انگاره سازی برای کشورهای منطقه و هراساندن آنان از ایران، فرآیندی است که درواقع حضور نظامی آمریکا در منطقه و اشغالگری آنرا توجیه می کند. تسلط بر منابع نفتی منطقه: آمریکا با راهبرد ایران هراسی علاوه بر توجیه و تثبیت حضور خود در منطقه، امکان تسلط خود بر منابع انرژی منطقه را نیز مهیا کرده و این راهبرد رابطه مستقیمی با تأمین انرژی مورد نیاز آمریکا دارد (سراج، ۱۳۸۸: ۴).

راهبردهای اجرایی سناریوی ایران هراسی

نظامی گری نوین، سلطه اقتصادی، نفوذ اطلاعاتی و یکسان سازی ایدئولوژیک، چهار منطقی است که پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر محیط امنیتی کشورهای جهان، به خصوص کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه حکم فرما شد. در میان کشورهای خاورمیانه، ایران اسلامی به لحاظ وسعت سرزمینی، کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع طبیعی سرشار و نیز موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه خاورمیانه به قدرتی کم نظیر تبدیل شده است. از دید کارشناسان سیاسی کشورهای غربی، دیگر نمی توان با یورش نظامی و جنگ سخت آنرا سرنگون کرد بلکه تنها راه سرنگون سازی نظام جمهوری اسلامی، پی گیری سازوکارهای جنگ نرم با استفاده از سه راه کار رهنامه مهار، نبرد رسانه ای و ساماندهی و پشتیبانی از نافرمانی مدنی است. کلید خوردن جنگ نرم علیه ایران در مقطع فعلی نه تنها ریشه در تغییر تهدیدهای امنیتی دارد بلکه مهم تر آن که، ناشی از گسترش حس تنفر از آمریکا در جهان است که به عقیده سران کاخ سفید، ایران مرکز اصلی ایجاد این تنفر و گسترش آن است و در آمریکا برای مقابله با این موج، نیروی واکنش سریع تشکیل شده تا ابتدا در قالب پروژه دموکراتیزه کردن کشورها به خنثی سازی نفوذ معنوی ایران در کشورهای اسلامی و منطقه خاورمیانه بپردازد و با القای خطرناک بودن ایران برای امنیت همسایگان، اذهان عمومی از اقدام ها و نقشه های ایالات متحده منحرف شود. ایالات متحده آمریکا با استفاده از شیوه نرم تلاش دارد از ضعف سیاست های اقتصادی و اختلاف های درونی، دامن زدن به نافرمانی های مدنی در تشکل های دانشجویی و نهادهای غیردولتی و صنفی، تقویت روابط خود با مردم از طریق حمایت از حقوق بشر و دموکراسی در ایران، ایجاد شبکه های متعدد رادیو تلویزیونی برای مردم ایران، حمایت از گروه مخالف،

دعوت از فعالان جوان ایرانی به خارج برای شرکت در گردهمایی‌های کوچک، استفاده از سفارتخانه‌های کشورهای دیگر و به‌طور کلی تضعیف ستون‌های حمایتی حکومت ایران به مقابله نرم با ایران بپردازد که در این میان، رسانه‌های مورد کنترل آمریکا، نقش اساسی ایفا می‌کنند (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۸: ۱۱).

دلایل چرایی هراس از ایران، به‌ویژه در سطح منطقه‌ای را می‌توان به دو دسته ساختاری و غیرساختاری تقسیم کرد. قدرت، قرابت جغرافیایی و قابلیت‌های تهاجمی را می‌توان به‌عنوان دلایل ساختاری ایران هراسی و نیت تهاجمی، ترویج ایران هراسی و پذیرش این گفتمان از سوی کشورهای منطقه را به‌عنوان دلایل غیرساختاری هراس دیگران از ایران مطرح کرد (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۴).

کشورهای غربی تاکنون راهبردهای گوناگونی را علیه جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- استفاده از ترفندهای کاریکاتوریسم امنیتی: یکی از روش‌های کاریکاتوریسم امنیتی، انعکاس تصاویر مجازی و خشن از اهداف، ماهیت، دورنما و دستاوردهای پیروزی انقلاب اسلامی با استفاده از ابزارهای دیپلماسی عمومی به‌ویژه صنعت فیلم‌سازی و بازی‌های رایانه‌ای است (برنانیوز، ۱۳۸۶: ۳).

۲- مخالفت با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران: شبکه‌های خارجی در گزارش‌های خبری خود در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران با استفاده از واژه بحران، از مواجهه جامعه جهانی با کشورمان نام می‌برند. هدف آنان ایجاد فضای روانی و فضا سازی علیه فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران است.

۳- شیعه‌هراسی: موضوع گسترش تشیع و تشکیل هلال شیعی در منطقه با هدف پیشبرد پروژه ایران‌هراسی، پیوسته مورد توجه کشورهای غربی است و در این زمینه کشورمان متهم به داشتن مقاصد خصمانه و سلطه‌جویانه در منطقه، علیه کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌گردد.

۴- حمایت رسانه‌ای از مخالفان و معارضان ایران.

۵- دروغ‌پراکنی در انتخابات ایران و حوادث پس از آن.

۶- متهم نمودن ایران به دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه: کشورهای غربی کشورمان را متهم به دخالت در امور داخلی کشورهای عربی، از جمله عراق، لبنان، فلسطین و یمن نموده و در سطح منطقه،

سیاست جنگ هوشمند را به اجرا گذاشته که نوعی جنگ نیابتی کشورهای عربی به‌ویژه عربستان در مقابل ایران است تا بتواند از میزان نفوذ، قدرت و موقعیت کشورمان در سطح منطقه جلوگیری کند (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۸: ۴).

۷- استفاده از ابزار تبلیغاتی القاعده برای ایران‌هراسی: آمریکا ایران را سردمدار بنیادگرایی اسلامی و در کنار آن القاعده را به عنوان نماد بنیادگرایی نشان داده تا به‌گونه‌ای دیگر ایران‌هراسی را القا کند (راستگو، ۱۳۸۹: ۲).

۸- تجهیز اعراب، راهبرد تازه آمریکا برای مواجهه با ایران (معصومی، ۱۳۸۹: ۳).

۹- استفاده از شیوه‌های پیچیده دشمنی از جمله فضای سایبری: پیشرفت فن‌آوری در کشورمان کمک کرده که دولت آمریکا و برخی دولت‌های غربی، امروزه بتوانند در فضای رسانه‌ای و تبلیغاتی ایران و بسیاری از دیگر کشورهای اسلامی حضور بیشتری داشته باشند. پیچیده‌شدن دشمنی‌های استکبار بیشتر متوجه حوزه دگرگونی فن‌آوری اطلاعات است (ایزدی، ۱۳۸۹: ۸).

پدافند غیرعامل و ضرورت به‌کارگیری آن در تقابل با اسلام‌ستیزی

مجمع تشخیص مصلحت نظام در راستای تدوین سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل کشور، پدافند غیرعامل را این گونه تعریف کرده است: مجموعه اقدام‌های غیرمسلحانه‌ای که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقای پایداری ملی و آسانی مدیریت بحران در مقابل تهدیدها و اقدام‌های نظامی دشمن می‌شود. هویت اصلی مردم ایران، هویت دینی و اسلامی است، بنابراین اصلی‌ترین نقطه قوت و برجسته‌ترین ویژگی ملت و انقلاب اسلامی آموزه‌های دینی و دینداری است. برهمن اساس، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین هدف جنگ نرم، لطمه زدن به این باورها و ارزش‌های حاکم بر مردم و یا تغییر در آن‌هاست (کریمی تبار، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

به این عبارت از فرمایشات مقام معظم رهبری (دامت عزّه) توجه شود؛ «اگر محافظت غیرنظامی (پدافند غیرعامل) نباشد، تمامی دستاوردهای فرهنگی، اقتصادی، علمی و سیاسی در یک نصف روز هدر می‌رود. پدافند غیرعامل به‌صورت شعله‌ای بلند شود». ایشان در این فرمایشات محافظت غیرنظامی را هم‌تراز تمامی

دستاوردهای نظام و لازمه حفظ آن‌ها قلمداد نموده و فراگیر شدن و همگانی شدن پدافند غیرعامل را مورد تأکید قرار داده‌اند. یعنی همان گونه که شعله از جایی شروع می‌شود و به تدریج همه جا را فرا می‌گیرد، پدافند غیرعامل نیز باید همچون شعله فراگیر شده و همه افراد کشور آن را به عنوان ضامن بقای نظام و یک محمل مناسب برای بقا، استمرار و تداوم حرکت خروشان انقلاب اسلامی در همه ابعاد، اعمال نمایند. ایشان در جایی دیگر در تقابل با جنگ نرم دشمن می‌فرمایند: «اگر دشمن با تولید محتوا (کتاب، فیلم، عکس، سایت‌های اینترنتی و...) سعی کند اعتقاد مردم را نشانه بگیرد - که گرفته است - این یک نوع آفند است و البته بسیار خطرناک نیز می‌باشد و مقوله براندازی و تهدید نرم نیز در همین راستا به کار گرفته می‌شود بنابراین ما چه نوع دفاعی باید از خود داشته باشیم که مردم محکم بایستند و این شیوه‌ها اثر نکند و آسیب‌پذیری به حداقل ممکن برسد؟» (حسین زاده، ۱۳۸۹/۰۲/۲۹) برای اجرای سناریوهای اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی، غربی‌ها به مباحثی چون بازی‌های رایانه‌ای و هدفمند، تشکل‌سازی غیردولتی، ایجاد شایعه‌ها و فضای بدبینی، ایجاد گروه‌های التقاطی و منحرف دینی و اخلاقی، رسانه‌ها و القای اخبار جهت‌دار، ایجاد منازعه‌های قومی، ایجاد و ترویج مدهای خارج از عرف، شست‌وشوی مغزی نخبگان، فیلم‌های سینمایی ضد اسلام و ایران، ترویج سرگرمی‌های غیر عرفی و ضد فرهنگی، ترویج ادبیات مبتذل در آثار هنری، به‌وجود آوردن انحراف در نخبگان و خواص و غیر شفاف کردن محیط می‌پردازند. به‌عنوان مثال می‌توان به تولید بازی‌های رایانه‌ای اسلام‌ستیز در اتریش و برخی دیگر از کشورهای اروپایی اشاره کرد که در آن به صراحت فرد بازیگر در حال مبارزه با مظاهر اسلامی است که به شکل عناصر شیطانی در قالب پویانمایی و تصاویر دیجیتالی طراحی شده است (طلایی، ۱۳۸۹/۰۹/۰۱). مسلح کردن جامعه به پدافند غیرعامل در تقابل با اسلام‌ستیزی، نیازمند شناخت نقاط ضعف و زمینه‌هایی است که دشمن آن‌ها را مورد هدف قرار می‌دهد.

تجربه ثابت کرده است که به‌طور معمول جنگ سخت موجب انسجام مردم می‌گردد اما ورود جنگ نرم به اذهان مردم، باعث تفرقه و از هم گسستگی خواهد شد. اگر آنان با وظایف خویش در این حوزه آشنا نباشند، بدون تردید خسارت‌های وارده به میزانی سنگین خواهد شد که در عمل دیگر مجالی برای بازسازی را

نخواهند یافت. همان‌گونه که برای مقابله با آثار مخرب ناشی از وقوع جنگ سخت، از پدافند غیرعامل استفاده می‌شود تا خسارت‌های احتمالی به حداقل میزان خود برسد در راستای مقابله با جنگ نرم و به‌ویژه اسلام‌ستیزی نیز امکان استفاده از پدافند غیرعامل به‌طور کامل میسر است. پدافند غیرعامل یا مدیریت جامع بحران در عرصه دفاع از اسلام، از انعطاف و سیالیت لازم برخوردار بوده و به مسائلی می‌پردازد که موجب کاهش صدمه‌ها و شکاف‌ها خواهد شد. پدافند غیرعامل در اسلام‌ستیزی باید تضمین‌کننده موارد زیر باشد:

۱. اطلاع‌رسانی به‌موقع برای ایجاد آمادگی دائمی در مردم؛
۲. جلب اعتماد عمومی به منابع اطلاع‌رسانی داخلی؛
۳. تمرکززدایی و توزیع مراکز اطلاع‌رسانی؛
۴. مقاوم‌سازی فکری مردم برای کاهش خسارت‌های ناشی از اسلام‌ستیزی؛
۵. ایجاد سو‌ظن دائمی نسبت به دشمن؛
۶. تقویت اعتماد به نفس مردم به داشته‌های فرهنگی و ملی خود؛
۷. تقویت مسئولیت‌پذیری نسبت به سرنوشت کشور و دین (معصومی، ۱۳۸۹/۰۵/۲۳).

تجزیه و تحلیل و یافته‌های تحقیق

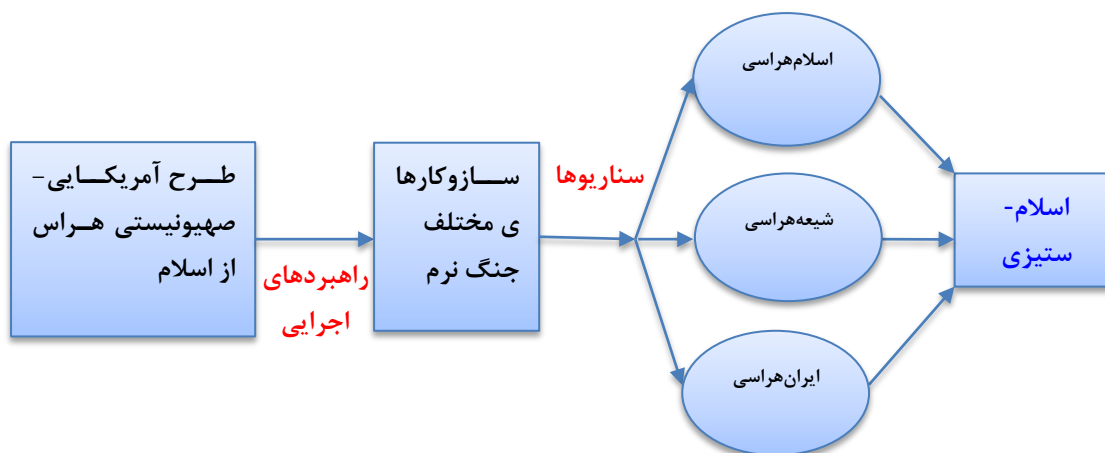
ماهیت سناریوهای غربی در شکل‌گیری اسلام‌ستیزی

شکست آمریکا در عراق و افغانستان و شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه با لبنان و همچنین غزه باعث گردید تا غرب با تغییر روش خود در برخورد با جهان اسلام به جنگ نرم رو آورد. با پیروزی انقلاب اسلامی، نگرانی غرب از تشیع نیز افزایش یافت. وضعیت جدید، نه تنها باعث تشدید تحریم‌ها، اعمال فشارهای گوناگون و تلاش برای درگیر کردن ایران با تنش‌های درونی و بیرونی شد بلکه عاملی بر طرح وسیع‌تر پروژه «اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی» در رسانه‌های جهانی گردید. ساده‌اندیشی است که تبدیل رویکرد اسلام‌هراسی به راهبرد اسلام‌ستیزی را به نابخردی‌های کشیش کلیسای کوچکی در فلوریدا یا چند شهروند غربی ربط دهیم. معرفی اسلام به‌عنوان دینی بنیادگرا و غیرقابل انعطاف، ارائه فرهنگی عقب‌مانده و

ناهماهنگ با زمان، القای چهره خشن و تروریستی از مسلمانان در رسانه‌ها در قالب‌های گوناگون خبری و با ابزارهای هنری فیلم و موسیقی و تصویر، باعث شده تا اسلام‌ستیزی به صورت سازماندهی شده در ناخودآگاه ملت‌های غربی رسوخ کرده و نه تنها راه برای فشار ارگانیک دولت‌ها بر مسلمانان بر مبنای شعار خواست مردم باز شود، بلکه در مقاطعی به واکنش‌های تند معدودی از مردم منجر شود. با این حساب می‌توان گفت، اسلام‌هراسی در دنیای غرب در واقع بازخورد احساسات گروهی به گروه دیگر است که قانون‌های منع حجاب، منع ساخت مناره مساجد، ضرب و شتم مسلمانان، توهین و خفیف شمردن اقلیت‌های مسلمان، احساس بیگانگی مسلمانان ساکن کشورهای غربی از اثر این پروژه است که ادامه این مسیر می‌تواند صلح و امنیت جهانی را تهدید کند.

به نظر می‌رسد محافل صهیونیستی با هدف مقابله با اسلام و گسترش طبیعی و روزافزون آن، سیاست اسلام‌ستیزی را با حربه اسلام‌هراسی در سرلوحه رویکرد تبلیغی خود قرار داده‌اند. افزون بر این، تحرک‌های اخیر مسئولان و رسانه‌های غربی و صهیونیستی حکایت از این دارد که لابی صهیونیستی سعی می‌کند سالروز حادثه ۱۱ سپتامبر را به «تماد» اسلام‌ستیزی در غرب تبدیل کند، تا بدین ترتیب هر سال بین مسیحیان و مسلمانان تنش ایجاد شود.

با توجه به استدلال‌های ارائه شده در مقاله؛ می‌توان ادعا کرد که آمریکا و هم‌پیمانان غربی‌اش به طرز ماهرانه‌ای سناریو شیعه‌هراسی را در سطح منطقه‌ای، اسلام‌هراسی را در سطوح فرامنطقه‌ای و جهانی و ایران‌هراسی را در هر سه سطح پی‌گیری می‌نمایند. با این توصیف بدیهی است اجرای هدفمند، دقیق و همزمان سناریوهای اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی با انجام اقدام‌های موهنی از جمله «هانت به قرآن کریم، ساحت مقدس پیامبر اکرم (ص)، ممنوعیت ساخت مناره، ممنوعیت حجاب، بدرفتاری و توهین و...» منجر به اجرایی شدن هدف غایی این طرح‌ها یعنی «اسلام‌ستیزی» شده است بنابراین در پاسخ به سؤال اول این مقاله باید گفت که ماهیت سناریوهای غربی در شکل‌گیری اسلام‌ستیزی شامل اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی است.



(یافته‌های پژوهش)

راهبردهای اجرایی شکل‌گیری اسلام‌ستیزی

اسلام‌هراسی امروز با به‌کارگیری انواع تبلیغات به سیاستی مدون تبدیل شده که فضای رسانه‌ای را درنوردیده و در عرصه‌های امنیتی، قانون‌گذاری و اجرائی کشورها رسوخ کرده است. در آن سوی توانایی‌های مکتب اسلام ناب برای اداره زندگی بشر و ارائه الگوی حیات طیبه، نسخه غربی زندگی وجود دارد که سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را مدیون تسلط فرهنگی دانسته و در راستای خوی امپریالیسمی و ابقای حکمفرمائی بر جهان از ابزار قدرتمندی به‌نام رسانه برخوردار است. در اسلام‌هراسی سیاسی، رسانه‌ها نقش ویژه‌ای بر عهده دارند. در سال‌های اخیر با رشد صنعت سینما، اسلام‌هراسی بیش از پیش به فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی راه پیدا نموده است.

در خصوص گونه‌های اسلام‌هراسی هم دولت‌های مستکبر به‌شدت از رسانه‌ها و هالیوود استفاده می‌کنند. در حوزه کتاب و مطبوعات نیز به‌شدت فعال هستند. آمریکا تلاش دارد تا با انجام اقدام‌های مدنی علیه کشورهای اسلامی از جمله ایران به شیوه‌ای نرم بر منابع قدرت جهانی مسلط شود. رسانه‌های غربی وابسته به محافل صهیونیستی با جعل یا انتشار عामدانه برخی اطلاعات، اقدام به ایجاد محور فشار علیه اعتقادات مسلمانان کرده و بیشتر رسانه‌های بین‌المللی مورد تأثیر فضای ایجاد شده، به دنباله‌روی از آن مسئله و دامن‌زدن به بحران خبری و سیاسی پرداخته‌اند. آمریکا همواره از خود کشورهای اسلامی برای مقابله با اسلام استفاده کرده‌اند. غرب می‌تواند با ایجاد شبکه‌های مسلمان میانه‌رو حامی خود و پی‌گیری اقدام‌های

مدنی کمک قابل توجهی به این مسئله کند بنابراین در نبرد ضداسلام‌گرایی آمریکا، مسلمانان میانه‌رو، لیبرال و سکولار با ارزش‌های منطبق با ارزش‌های لیبرال و مدرن، شرکای بالقوه این کشور خواهند بود. از ابزارهای مهم دیگر آمریکا در تکمیل سناریوی اسلام‌هراسی استفاده از توجیه مذهبی است.

رصد جنگ تبلیغاتی غرب در مختصات نوین امنیتی خاورمیانه بیانگر شکل‌گیری دور جدیدی از عملیات روانی با ابزار شیعه‌هراسی است که پیش‌زمینه آن با عنوان جغرافیای سیاسی هلال شیعه شکل گرفته بود. کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس نیز متأثر از آینده‌های تبلیغاتی شیعه‌هراسی، سیاست‌های آمایش جمعیتی شیعه را در دستور کار خود قرار داده‌اند. بهره‌گیری از ظرفیت‌های محیط سایبری در کنار رسانه‌ها و نهادهای تبلیغاتی صهیونیسم در این سناریو مورد استفاده است.

از دید کارشناسان سیاسی کشورهای غربی، تنها راه سرنگون‌سازی نظام جمهوری اسلامی، پی‌گیری شیوه‌های کاربردی جنگ نرم است. کلید خوردن جنگ نرم علیه ایران در مقطع فعلی نه‌تنها ریشه در تغییر تهدیدهای امنیتی دارد بلکه مهم‌تر آن‌که، ناشی از گسترش حس تنفر از آمریکا در جهان است، که به عقیده آنان، ایران مرکز اصلی ایجاد این تنفر و گسترش آن است. به‌طور کلی آمریکا و کشورهای غربی با استفاده از رهنامه مهار و با اقدام‌هایی نظیر مخالفت با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، تجهیز اعراب، دامن زدن به تعارض‌های ایدئولوژیک در خاورمیانه، فضای روانی را بر ضد کشورمان ملتهب کرده و به نوعی سعی دارند فعالیت‌های ایران را در همه ابعاد مهار نمایند. آمریکا با به راه انداختن نبرد رسانه‌ای و بهره‌گیری از فضای سایبری مانند فتنه سال ۱۳۸۸ و استفاده از ابزارهای تبلیغاتی مختلف، سعی دارد جنگ رسانه‌ای تمام عیاری را علیه کشورمان به راه اندازد. با این توضیحات می‌توان نتیجه‌گیری نمود که «پیگیری سازوکارهای مختلف جنگ نرم»، «بهره‌گیری از فضای سایبر» و استفاده توأمان از سه راه کار «رهنامه مهار»، «نبرد رسانه‌ای» و «ساماندهی و پشتیبانی از نافرمانی مدنی» از راهبردهای اجرایی شکل‌گیری اسلام‌ستیزی هستند.

دلایل گسترش اسلام ستیزی در غرب

عوامل متعدد و متنوعی در گسترش اسلام ستیزی در غرب تأثیر داشته‌اند. بررسی این عوامل به شناخت هر چه بیشتر دلایل و اشکال اسلام ستیزی کمک خواهد کرد. این دلایل گر چه در موارد زیادی به یکدیگر مرتبط هستند ولی می‌توان آن‌ها را به پنج دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱- زمینه‌های تاریخی: توسعه و گسترش اسلام و تشکیل جوامع و حکومت‌های اسلامی در بسیاری از مناطق، آن‌ها را رویاروی جهان غرب و حکومت‌های مسیحی قرار داد. سابقه تسلط هشتصد ساله مسلمانان بر اندلس، دو قرن جنگ‌های صلیبی جوامع مسیحی با مسلمانان، حکومت امپراتوری عثمانی بر بسیاری از جوامع مسیحی و همسایگی آن با جوامع مسیحی اروپای مرکزی از آن جمله‌اند. مجموعه این وقایع تاریخی زمینه بهره‌برداری را برای جریان‌های ضد اسلامی فراهم آورده است. اندیشه حاکم بر جنگ صلیبی، همواره اسلام (و مسلمانان) را دشمن خود معرفی کرده است. اندیشه جنگ مقدس با اسلام همواره در این رویکرد وجود داشته است. در برخی از جوامع غربی، گروه‌هایی مبنای هویت خود و ریشه‌های روایت خود از هویت ملی را در مقابل مسلمانان قرار داده‌اند و اسطوره‌ها و قهرمانان ملی و فرهنگی خود را از رهبران و کشته شدگان در مقابل مسلمانان قرار داده‌اند.

۲- مسائل دموگرافیک و جمعیتی: عامل مهم دیگر رشد فزاینده جمعیت مسلمانان در جوامع غربی است. مهاجرت مسلمانان به این جوامع و تشکیل جوامعی متمایز در داخل جوامع غربی و همچنین گرایش غیرمسلمانان در جوامع غربی به اسلام و رشد جمعیت بیشتر مسلمانان به نسبت سایر سکنه این جوامع باعث ایجاد و توسعه جوامع مسلمانان در جوامع غربی شده است. در بیشتر جوامع غربی مسلمانان به بزرگترین اقلیت مذهبی تبدیل شده که جمعیت رو به افزایش دارند و نسبت قابل توجهی از جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند و به تدریج به قوه مقننه و حتی مجریه این کشورها راه می‌یابند، ظهور و قدرت یابی این اقلیت رو به رشد با واکنش در گروه‌های اکثریت روبه‌رو می‌گردد.

۳- نیاز غربی‌ها به دشمن با شاخصه‌های جدید: غرب و آمریکا در طول سالیان پس از جنگ جهانی دوم، همواره سیاست‌های خود را به‌عنوان مقابله با کمونیسم و شیطان سرخ توجیه می‌کردند و سامان

می‌بخشیدند. فروپاشی شوروی خطر تهدیدی را که محور سیاست‌ها و توجیه‌کننده رفتار و انجام بخش جوامع غربی بود از بین برد. یافتن تهدیدی که توجیه‌کننده رفتار سردمداران جوامعی چون آمریکا باشد یکی از دغدغه‌های طیف مداخله‌گر و تهاجمی بود. خطرهایی چون چین و روسیه گرچه به تناوب در دهه ۹۰ مطرح می‌شدند ولی قابلیت و شرایط لازم را فراهم نمی‌کرد. واقعه ۱۱ سپتامبر با طرح خطر تروریسم اسلامی به سرعت این خلأ را پر کرد و جوامع غربی حول محور مقابله با این خطر فزاینده جدید منسجم شدند. بنابراین خطر اسلام و مسلمانان به عنوان اصلی‌ترین خطر برای امنیت، فرهنگ و تمدن غربی مطرح شد و به وسیله رسانه‌ها و مجامع تولید کننده فرهنگ و رفتار جوامع غربی مورد بهره‌برداری قرار گرفت و به صورت دشمن خطرناک جایگزین خطر کمونیسم و شیطان شوروی شد.

۴- **بیداری اسلامی و احیای هویت مسلمانان:** جوامع اسلامی پس از آن که در طول دهه‌های قرون پیشین در حالتی انفعالی قرار داشتند از دهه‌های پایانی قرن بیستم به تدریج به مبانی هویتی خود برگشتند و چاره موفقیت را احیای هویت اسلامی یافتند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران از نخستین جلوه‌های این فرایند در جهان اسلام بوده است. این خیزش هویتی، باعث شده مسلمانان در برابر ظلم، سرکوب و تحقیر تاریخی ایستادگی کنند. مقاومت در برابر اشغال و تجاوزگری در فلسطین، عراق و سایر جوامع اسلامی نمود گسترده‌ای پیدا کرده است. تعریف خود بر مبنای هویت خودی و مقاومت در برابر تحمیل ارزش‌ها و منافع بیگانگان و پیدا کردن روحیه و چهره فعال در دفاع از منافع و هویت خودی بازتاب گسترده‌ای در سایر جوامع و به ویژه جوامع غربی پیدا کرده است. هراس از این احساس مقاومت و ظلم ستیزی در سردمداران جوامع توسعه طلب باعث می‌شود که آن‌ها روحیه ستیزش و مقابله با اسلام و مسلمانان را در جوامع خود ایجاد کرده و توسعه دهند. همچنین تعریف یک جمعیت بر مبنای هویت خودی می‌تواند باعث واکنش در گروه‌های متقابل شود و آن‌ها نیز هویت خود را در مقابله و برخورد با گروه نخست قرار دهند. این وهم به تدریج در اروپا گسترده می‌شود که اروپا به دو ملت تقسیم شده است: اروپاییان سکولار، ثروتمند، مسن و ضعیف و در حال کاستی و مسلمانان مذهبی، جوان، فقیر، قدرتمند و رو به رشد. بر اساس این اندیشه مردم اروپا در حال افول هستند و در یک هراسی فزاینده به سر می‌برند و دچار یک نومییدی دموگرافیک شده‌اند.

این ایده خود نوعی هراس از مسلمانان و قدرت رو به رشد آن‌ها تولید می‌نماید. این دیدگاه، مسلمانان را در حال جنگ با غرب تصویر می‌کند. براین اساس جنگ با اسلام و مسلمانان در سه جبهه متمرکز است: جبهه مرکزی (خاورمیانه)، جبهه شرقی (جنوب شرق آسیا: افغانستان، پاکستان و اندونزی) و جبهه غربی (اروپا و آمریکا: این جنگ با مهاجران مسلمان در کشورهای غربی متمرکز است).

۵- گسترش خشونت و تحجر به نام اسلام: اقدام‌های خشونت‌باری نظیر بمب‌گذاری‌ها، قتل‌ها و جنایت‌ها که به نام اسلام در اقصی نقاط جهان صورت می‌گیرد و موجب نفرت و کینه از مسلمانان می‌گردد نیز عوامل توسعه اسلام ستیزی محسوب می‌شود و مورد بهره‌برداری جریان‌های فرصت طلب قرار می‌گیرد. بهره‌برداری تبلیغاتی از جنایت‌هایی که در مناطقی همانند افغانستان و عراق از سوی گروه‌های انحرافی و مشکوک صورت می‌گیرد، بزرگ کردن و طرح چنین صحنه‌های مشمئز کننده به یک برنامه دائمی تبدیل شده و این صحنه‌های آزاردهنده به‌طور مداوم در رسانه‌های بین‌المللی به عنوان معرفی اسلام و مسلمانان مطرح می‌شود.

برای پاسخ به سؤال سوم این تحقیق می‌توان عنوان داشت که «زمینه‌های تاریخی»، «مسائل دموگرافیک و جمعیتی»، «تیز غربی‌ها به دشمن با شاخصه‌های جدید»، «بیداری اسلامی و احیای هویت مسلمانان» و «گسترش خشونت و تحجر به نام اسلام» از دلایل اصلی گسترش اسلام‌ستیزی در غرب هستند.

نقش پدافند غیرعامل در کاهش اثرات اسلام‌ستیزی

همان گونه که پیش‌تر اشاره شد ابزارها در اسلام‌ستیزی بسیار وسیع و متنوع است به‌ویژه در فضای رسانه‌ای و سایبری که غرب و به‌طور کل دشمنان اسلام در این حوزه سرمایه‌گذاری‌های عظیم و اهتمام جدی مصروف نموده و خواهد نمود. به‌طوری‌که امروزه امپریالیسم رسانه‌ای، مهم‌ترین ابزار اسلام‌ستیزی در جهان محسوب می‌شود. استکبار جهانی و سردمداران کفر و شرک درصددند تا با به‌دست گرفتن تحولات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورها بر سراسر جهان سیطره کامل یافته و همه عالم را مسخر اراده خود کنند و به‌خوبی دریافته‌اند که بزرگترین مانع برای رسیدن به این هدف، اسلام است بنابراین تمامی امکانات و توان خود را

به کار گرفته‌اند تا از طریق نفوذ در فرهنگ غنی اسلامی و تغییر در باورها، رفتارها و ارزش‌ها، بنیان‌های فکری و اعتقادی مسلمانان را تخریب کنند و بذریعۀ خود کم‌بینی را در ملت‌های مسلمان شکوفا کنند و فرهنگ تهی و پوچ خود را به‌عنوان الگوی فرهنگ برتر به جوامع تحمیل کند. به این ترتیب، درصدد برآمده‌اند تا مهم‌ترین مانع در برابر اهداف پلید خود یعنی آموزه‌های اسلامی را دچار استحاله کنند تا به راحتی بتوانند جوامع را به استثمار خود درآورند و بر کل جهان استیلا یابند.

بدون شک پدافند غیرعامل می‌تواند ابزار بسیار مناسب و مطلوبی در تقابل با اسلام‌ستیزی باشد که در این راستا آماده‌سازی پناهگاه‌های پدافند غیرعامل از اولویت‌های اساسی محسوب می‌شود. مهم‌ترین پناهگاه‌ها عبارتند از: روزنامه‌ها (شفاف‌سازی اوضاع غبارآلود و اطلاع‌رسانی)، فضای سایبر و مجازی (شفاف‌سازی و ارسال کمک‌های مردمی از طریق مجازی)، بسیج (نیروی کمک‌رسان به مجروحین)، مساجد (محل تمرین ایمان و اخلاص و تقویت اجتماع مردم)، صدا و سیما (کمک‌رسانی فرهنگی وسیع و همه‌جانبه)، حوزه و دانشگاه (تولید فکر و کشف روش‌های مبارزه با فتنه و تبیین شرایط)، مدرسه (آماده‌سازی فکری جوانان) و احزاب (سازماندهی رسمی مردم حول دیدگاهی خاص برای هماهنگ‌سازی افکار همسو).

با این توصیف پدافند غیرعامل در اسلام‌ستیزی، تأثیرگذاری جدی و قطعی دارد. پدافند غیرعامل در اسلام‌ستیزی بستری مناسب است برای مقابله با دشمن و دفاع در مقابل هرگونه تجاوز و آماده‌سازی روانی جامعه برای ناکام‌سازی دشمن در تهاجم به اسلام، مسلمان و کشور. عمده انطباق‌پذیری پدافند غیرعامل و اسلام‌ستیزی، در فضای عملیات روانی و جنگ نرم قابلیت تعریف پیدا می‌نماید. به عبارت بهتر پدافند غیرعامل با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی دین و جامعه برای تقابل با تهدیدهای دشمن و جلوگیری از پذیرش شکست و ضعف در میان اسلام و مسلمانان در کاهش اثر اسلام‌ستیزی ایفای نقش می‌نماید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در دوران کنونی، با توجه به اینکه توسل به زور و جنگ سخت‌افزاری خالص اغلب توجیهی نداشته و مطرود تلقی می‌شود، غرب و در رأس آن آمریکا به موازات فعال‌سازی قدرت سخت‌افزاری خود کوشش

می‌کند تا جلوه‌هایی از جدال دینی و فرهنگی را سازماندهی نماید. در این مسیر آنان برای جدال و مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی از طریق جهانی‌سازی هدایت شده و شکل‌بندی‌های غیرمستقیم و با ماهیتی غیر از ابزارهای نظامی و قواعد سنتی، دست به ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی، رسانه‌های متنوع، بازی‌های رایانه‌ای و به‌طور کلی هنجارسازی فرهنگی زده‌اند. هم‌اکنون در آمریکا بیش از هزار رسانه دیداری و شنیداری و مکتوب در دست صهیونیست‌ها است که اغلب این رسانه‌ها درحقیقت یک راهبرد و هدف مشخص دارند و آن تشدید شیعه‌هراسی، اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی است.

حرکت‌های اسلام‌ستیزی با انگیزه‌ها و اشکال مختلف در جهان غرب رو به گسترش است. این جریان از رسانه‌ها و ابزار موثر بر افکار عمومی به صورت ماهرانه‌ای استفاده می‌کنند و در ساختن تصور توده‌های مردم و حتی نخبگان جوامع نقش موثری دارند. جریان‌های مقاومت و مقابله با اشغال‌گری، در روایت جریان‌های اسلام ستیز به‌عنوان تروریسم، خشونت و تحجر معرفی می‌گردد. از سوی دیگر واقعیت احیای هویت جهان اسلام پس از دهه‌های متمادی انفعال و قدرت روزافزون مسلمانان در سرتاسر جهان و به‌ویژه مناطق راهبردی جهان و همچنین توسعه گسترده حضور و نقش مسلمانان در جوامع غربی، به انگیزه‌ها و همچنین دلایل جریان‌های اسلام‌ستیز افزوده است. بر این اساس و با توجه به روند رو به گسترش قدرت، حضور و نقش مسلمانان و زخم خوردن جریان‌های ضد اسلامی صهیونیستی و سلطه‌گران و حاکمان بر ابزار شکل دهنده افکار عمومی در جوامع غربی، به‌نظر می‌رسد تا آینده قابل پیش‌بینی کماکان شاهد حضور و توسعه جریان‌های اسلام‌ستیز به‌ویژه در کشورهای غربی خواهیم بود.

شیوه‌های گوناگون اسلام‌ستیزی، هم نشان‌دهنده آمادگی بدخواهان ادیان الهی برای ایجاد و دامن زدن به امواج نفرت و خشونت است و هم بیانگر رنگارنگی و تنوع این شیوه‌ها. در زمان حاضر کشورهای غربی و دستگاه‌های تبلیغاتی این کشورها با تأثیرپذیری از صهیونیسم به شیوه‌ای غیرمستقیم با معرفی اسلام به‌عنوان تهدیدی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای امنیت وجودی شهروندان خود سعی دارند تا با نگاه تقلیل‌گرایانه، اسلام را به‌عنوان «مبدأ بنیادگرایی» بسط و معرفی نموده و با توجیه پاسداری از ارزش‌های اجتماعی غرب مانند دموکراسی، آزادی و... می‌کوشند مکتب اسلام را به‌عنوان یک ایدئولوژی متعارض و

تهدیدی جدی معرفی کنند. در پروژه اسلام‌ستیزی به‌خوبی می‌توان ردپای اتاق فکر صهیونیسم را در تلاش برای مقابل هم قرار دادن اسلام و مسیحیت مشاهده کرد. یکی از اهداف اصلی راه انداختن ماجرای‌هایی مانند قرآن‌سوزی، اهانت به پیامبر اکرم (ص) و ... بی‌گمان تحریک احساسات مسلمانان جهان و ترغیب آنان به انجام اقدام‌های مشابه است.

نکته پایانی اینکه بایستی سعید جمله‌ای دارد که می‌گوید در اسلام‌هراسی تقصیر مسلمانان از تمدن غربی کمتر نیست یعنی اگر ما مسلمانان، اسلام را خوب معرفی می‌کردیم از شدت اسلام‌هراسی کاسته می‌شد (کوهساری، ۱۳۸۹: ۴). به هر صورت نمی‌توان از این نکته غافل بود که متأسفانه اقدام‌های خشونت‌طلبانه و تروریستی گروه‌های افراطی القاعده و طالبان که دست‌پرورده و محصول حمایت آمریکا هستند کمک بسیار موثری به دشمنان اسلام برای نشان دادن چهره خشن و جنگ‌طلبانه از مسلمانان کرده است.

در مقابله‌های فرهنگی با اسلام‌ستیزی باید سعی کنیم آگاهانه و محققانه عمل کنیم. به اصول و محتوای این فلسفه‌ها و مکتب‌های انحرافی احاطه کافی داشته و بدانیم چه می‌گویند و چه می‌خواهند تا در مقابله، تأثیرهای مثبت بگذاریم. برای مقابله با تهدیدهای نرم، داشتن راهبردی بیش از داشتن قدرت، مؤثر است. در نتیجه شایسته است متولیان امر در کشورمان در سیاست‌های کلان امنیتی برنامه پنجم توسعه، دورنمای آسیب‌های احتمالی ناشی از آینده‌های تبلیغاتی سه‌گانه ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی و اسلام‌هراسی را از رویکرد امنیت ملی و منطقه‌ای مورد کنکاش قرار داده و نقش هر یک از نهادهای دولتی در آن را مشخص و تدوین نموده و نسبت به هماهنگی کامل نهادهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی و نظامی کشور برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود اقدام‌های لازم صورت پذیرد و در این راستا راه‌کارهای عملی و اجرایی مقابله با این سناریوها را تبیین و برنامه‌ریزی نمایند. در ضمن در پایان پیشنهادی راهبردی این تحقیق در تقابل با اسلام‌ستیزی غرب به شرح زیر است:

۱. بهره‌گیری مطلوب از محیط‌های آموزشی (دانش‌آموزی و دانشگاهی) و همزمان تلاش رسانه ملی به منظور ارائه برنامه‌های مقابله‌ای مطلوب با هدف القای مفاهیم مورد نیاز ارزشی از دین اسلام و فرهنگ غنی ایرانی به اقوام و ادیان مختلف.

۲. تلاش هماهنگ نهادهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی و نظامی با محوریت وزارت امور خارجه برای ایجاد اجماع مناسب در بین کشورهای اسلامی به‌ویژه کشورهای منطقه در تقابل با اسلام‌ستیزی.
۳. شناسایی مراکز و مؤلفه‌هایی که بیشترین ضربه‌ها را در فعالیت اسلام‌ستیزی غرب متحمل می‌شوند برای کاهش این ضربه‌ها در حوادث مشابه و رصد فعالیت‌های اسلام‌ستیزانه گذشته غرب و بهره‌گیری از اصول آینده‌پژوهی برای طراحی فعالیت‌های آینده.
۴. تقویت باورهای اسلامی-ایرانی با بهره‌گیری از فن‌آوری اطلاعات.
۵. تقویت روحیه انسجام و همسویی و هماهنگی در امور فرهنگی و اجتماعی مسلمانان.
۶. توجه ویژه به نقش جوانان و نوجوانان به‌عنوان آینده‌سازان جامعه و آشنا کردن آنان با دین اسلام و تعالیم ارزشمند آن و شناخت نیازهای فکری و روانی این قشر با بررسی علل گرایش برخی از آنان به برنامه‌های فرهنگی غرب.
۷. القای تفکر امت اسلامی در بین مردم و لزوم تبعیت مذهبی از ولایت مطلقه فقیه با بهره‌گیری برنامه‌ریزی شده از رسانه‌ها.
۸. نشر و گسترش فرهنگ و معارف اصیل اسلامی با اتخاذ شیوه‌ها و برنامه‌های متنوع و متناسب با نیاز اقشار، معرفی افتخارهای ایرانی-اسلامی.

منابع

۱. احمدی، حمید. (۱۳۶۹). *ریشه‌های بحران در خاورمیانه*. تهران، انتشارات کیهان.
۲. اسماعیلی، محمد. (۱۳۸۹/۷/۴). پاشنه آشیلی که هدف قرار نگرفت. www.bashgah.net
۳. افتخاری اصغر و همکاران. (۱۳۸۷). «*قدرت نرم، فرهنگ و امنیت (مطالعه موردی بسیج)*»، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۴. افشار، اسداله. (۱۳۸۹/۶/۲۴). اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی «به بهانه قرآن‌سوزی افراطیون آمریکایی»، تهران، روزنامه اطلاعات.
۵. امینیان، بهادر. (۱۳۹۰). «*اسلام‌ستیزی در غرب: دلایل و ویژگی‌ها*». www.hamandishi.net
۶. ایزدی، فواد. (۱۳۸۹/۹/۳). مثلث اسلام‌هراسی، تهران، روزنامه کیهان.
۷. بخشایشی، احمد. (۱۳۸۹/۱/۲۵). اسلام‌هراسی و جنگ نرم، مصاحبه با رادیو گفتگو، خبرگزاری فارس. www.farsnews.ir
۸. برزگر، ابراهیم و لعل‌علیزاده، محسن. (۱۳۹۰). مقاله «جنگ نرم، بازی‌های رایانه‌ای اسلام‌ستیز و پدافند غیرعامل»، تهران: *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال اول، شماره اول.
۹. برنانیوز. (۱۳۸۶/۱۱/۱۷). تصویرسازی غرب از انقلاب اسلامی ایران. www.bornanews.com
۱۰. بشاری، محمد. (۲۰۰۴). *اسلام‌ستیزی رسانه‌ای غرب* (معرفی کتاب «صوره‌الاسلام فی الاعلام الغربی»، نشر دارالفکر دمشق سوریه)، ترجمه مجید مرادی، به نقل از نشریه پگاه، بهمن ۱۳۸۴. www.bashgah.net
۱۱. پایگاه خبری-تحلیلی صراط. (۱۳۸۸/۱۲/۶). نقش رسانه‌های غرب در شکل‌گیری اسلام‌هراسی. www.seratnews.ir
۱۲. پگاه حوزه. (۱۳۸۵/۱۲/۱۲). تحلیل پدیده اسلام‌هراسی، هفته‌نامه پگاه حوزه، شماره ۲۰۳. www.hawzah.net
۱۳. تافلر، آلوین. (۱۳۷۰). *تغییر ماهیت قدرت*، ترجمه شاهرخ بهار، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب.

۱۴. جمشیدی، مریم. (۱۳۸۸/۷/۱۷). ایران هراسی تاکتیک همیشگی غرب، تهران، روزنامه جام جم.

۱۵. حسین‌زاده، حسن. (۱۳۸۹/۰۲/۲۹). «پدافند غیرعامل از چهار منظر»، تهران، روزنامه کیهان.

۱۶. خبرگزاری فارس. (۱۳۸۹/۷/۲۴). اسلام هراسی؛ مقدمه‌ای برای ایران‌هراسی.

www.farsnews.ir

۱۷. درخشه، جلال و حسینی فائق، سید محمدمهدی. (۱۳۹۱). مقاله «ابعاد اسلام هراسی در بریتانیا

پس از یازده سپتامبر»، تهران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.

۱۸. دلاورپوراقدم، مصطفی. (۱۳۸۸). شیعه‌هراسی و جایگاه آن در دیپلماسی امنیتی ایالات متحده،

هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۶۱.

۱۹. راستگو، امین. (۱۳۸۹/۳/۳۱). القاعده ابزار تبلیغاتی آمریکا برای ایران هراسی. <http://alef.ir>

۲۰. روزنامه ابتکار. (۱۳۸۹/۵/۱۶). شر شیطان؛ پروژه ایران‌هراسی، روزنامه ابتکار به نقل از سایت

دیپلماسی ایرانی.

۲۱. روزنامه جمهوری اسلامی. (۱۳۸۹/۷/۱). قرآن سوزی، ثمره اسلام ستیزی آمریکایی - صهیونیستی،

روزنامه جمهوری اسلامی.

۲۲. روزنامه جمهوری اسلامی. (۱۳۸۶/۱۱/۲۵). اسلام آمریکائی تجسم نفاق در جهان معاصر، تهران،

روزنامه جمهوری اسلامی.

۲۳. روزنامه جمهوری اسلامی. (۱۳۸۹/۶/۳۰). پایان راه اسلام‌ستیزی، تهران، روزنامه جمهوری اسلامی

۲۴. زواری، سید عبدالمجید. (۱۳۸۴/۴/۱۶). پشت پرده اهانت به ساحت پیامبر، تهران، روزنامه جوان.

www.magidzawari.parsiblog.com

۲۵. سراج، رضا. (۱۳۸۷/۰۲/۰۱). اسلام هراسی رویای بازی برد- برد نظام سلطه علیه اسلام، تهران،

روزنامه کیهان.

۲۶. سراج، رضا. (۱۳۸۸/۷/۲۵). ایران هراسی چرا و چگونه؟ www.islamtimes.org

۲۷. سعید، ادوارد. (۱۳۷۷). «شرق‌شناسی»، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ

اسلامی.

۲۸. سعید، ادوارد. (۱۳۷۹). *اسلام و رسانه‌ها*، ترجمه اکبر افسری، تهران، نشر توس.

۲۹. سلطانی فر، احسان و روشندل اربطانی، طاهر. (۱۳۹۰). مقاله «مدل مفهومی تبیین گفتمان حاکمیت، مردم، و رسانه با رویکرد پدافند غیرعامل»، تهران: **فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم.
۳۰. سلیمانی پور لک، فاطمه. (۱۳۸۹). «قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا»، تهران، نشر مرکز مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۳۱. سیدامامی، کاووس و حسینی فائق، سید محمدمهدی. (۱۳۹۰). مقاله «زمینه‌های رشد اسلام هراسی ساختمان در بریتانیا»، **دو فصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی**، سال هفتم، شماره دوم -، پیاپی ۱۴
۳۲. شاوردی، تهمینه و شاوردی، شهرزاد. (۱۳۸۸). «بررسی نظرات کودکان، نوجوانان و مادران نسبت به اثرات اجتماعی بازی‌های رایانه‌ای» **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، دوره دوم، شماره ۷
۳۳. شریعتی نیا، محسن. (۱۳۸۹). «ایران‌هراسی؛ دلایل و پیامدها»، تهران، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره ششم.
۳۴. شریفی، سید ابراهیم. (۱۳۸۹/۶/۲۸). ریشه‌های تاریخی و دینی هتک به قرآن، تهران، روزنامه کیهان.
۳۵. صابونچی، علی. (۱۳۸۹/۶/۱۸). موج چهارم اسلام ستیزی در راه است. www.bfnews.ir
۳۶. طاهری موسوی، محمدسعید. (۱۳۸۶). **اسلام، غرب و صهیونیسم، گفتگو با امانوئل تود**، تهران، نشر موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، چاپ اول.
۳۷. طاهری، غلامحسین. (۱۳۸۹/۶/۲۸). قرآن سوزی، قطعه‌ای از پازل آمریکایی جنگ صلیبی، تهران، روزنامه کیهان.
۳۸. طلایی، مرتضی. (۱۳۸۹/۰۹/۰۱). «پدافند غیرعامل و قدرت نرم»؛ www.farsnews.ir
۳۹. عزیززی، ایمان. (۱۳۹۱/۸/۸). گذری بر اهداف و انگیزه‌های اسلام‌ستیزی. -Islamic vaccination.blogfa.com
۴۰. کریمی تبار، مریم. (۱۳۸۹). راهبردها و راهکارهای فرهنگی دولت زمینه ساز در رویارویی با جنگ نرم، **فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود**، سال چهارم، شماره ۱۳.

۴۱. کوهساری، حسین. (۱۳۸۹/۱/۲۵). اسلام هراسی و جنگ نرم، مصاحبه با رادیو گفتگو، خبرگزاری فارس. www.farsnews.ir

۴۲. ماه‌پیشانیان، مهسا. (۱۳۸۸). سایه شیعه ستیزی و ایران هراسی در جنگ یمن، *هفته نامه پگاه حوزه*، شماره ۲۷۲.

۴۳. محبیان، امیر. (۱۳۸۹/۶/۳۰). اسلام، اسلام ستیزی و مدیریت ادراک. www.irdc.ir

۴۴. مرتضی زیدی، علی. (۱۳۸۹/۶/۱۱). فعالیت تبلیغاتی دشمنان اسلام در جهان، ماهنامه معرفت، شماره ۱۳.

۴۵. مشفق، عبدالحسین، (۱۳۸۶)، فرقه وهابیت، پایگاه اطلاع رسانی شیعیان. www.shiayan.ir

۴۶. معصومی، سارا. (۱۳۸۹/۵/۲۴). تجهیز اعراب؛ استراتژی تازه آمریکا برای مواجهه با ایران. www.khabaronline.ir/news

۴۷. معصومی، سعید. (۱۳۸۹/۰۵/۲۳). «آشنایی با پدافند غیرعامل در حوزه جنگ نرم». www.paydarymelli.ir

۴۸. میرمحمدی، سیدمصطفی (۱۳۸۴/۱۲/۲)، شریعت صلح و رحمت. www.knowledgebase.icro.ir

۴۹. نصر هرنندی، محمد مهدی. (۱۳۸۷/۶/۲۴). افزایش چشمگیر مذهب شیعه در جهان. www.bashgah.net

۵۰. هاشمی، سید حمید. (۱۳۸۸/۱۰/۱۲). تحلیلی بر گفتمان اسلام هراسی غرب و بیداری جهان اسلام در مقابل آن/گفتمان بیم و بیداری، هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۷۰. www.hawzah.net

۵۱. هانی زاده، حسن. (۱۳۸۹/۱/۲۵). اسلام هراسی و جنگ نرم، مصاحبه با رادیو گفتگو، خبرگزاری فارس. www.farsnews.ir

۵۲. واعظی، محمود. (۱۳۸۷). *استراتژی آمریکا در قبال جهان اسلام، گردآورنده شانی هرمزی*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.

۵۳. ولایتی، علی اکبر. (۱۳۸۹/۶/۲۴). بررسی تاکتیک‌های اسلام ستیزی پس از ۱۱ سپتامبر، گفتگوی با تارنمای خبری فردا نیوز. www.fardanews.ir

54. Cashmore, Ellis .(2008). *Encyclopedia of race and ethnic studies*, London :routledge.
55. Johnson, M. R. D., H Soydan, and C. Williams (1998) , *Social Work and Minorities: European Perspectives, London and New York: Routledge*.
56. Roald, Anne Sofie .(2004). *New Muslims in the European Context: The Experience of Scandinavian Converts*, Leiden: Brill.
57. Saeed, Amir .(2007). *Media, Racism and Islamophobia: The Representation of Islam and Muslims in the Media*, Sociology Compass, Blackwell Publishing